

این مجموعه رایگان عرضه شده

۴- مقطع ابتدایی

فهرست مطالب

کلاس اول: سطوح حمایت و مقاومت

- حمایت و مقاومت
- خطوط روند
- کانالها
- معامله از طریق خطوط

کلاس دوم: نمودارهای شمعی ژاپنی

- نمودار شمع ژاپنی چیست؟
- بدنه های جذاب و سایه های عجیب
- الگوهای پایه ای شمع
- رنجرهای منفرد، الگوهای شمع یگانه
- در دسر دوبرابر - الگوهای شمع دوگانه
- ازدحامی وجود ندارد - الگوهای شمع سه گانه
- برگه تقلب شمع های ژاپنی
- خلاصه: شمع های ژاپنی

کلاس سوم: فیبوناچی

- فیبوناچی چیست؟
- نقاط بازگشت قیمت در فیبوناچی
- چه موقع فیبوناچی با شکست روبرو می شود
- ترکیب فیبوناچی با حمایت و مقاومت
- ترکیب فیبوناچی با خطوط روند
- ترکیب فیبوناچی با الگوهای کندل استیک (شمعی ژاپنی)
- گسترده گی فیبوناچی (اکستنشن)
- تعیین حد ضرر با استفاده از فیبوناچی
- خلاصه: فیبوناچی

کلاس چهارم: میانگین های متحرک

- میانگین های متحرک ملایم
- میانگین های متحرک ساده
- میانگین متحرک نمایی
- میانگین متحرک ساده در مقایسه با متحرک نمایی
- استفاده از میانگین های متحرک
- انجام معامله با استفاده از تقاطع میانگین های متحرک
- حمایت و مقاومت پویا
- خلاصه: میانگین های متحرک

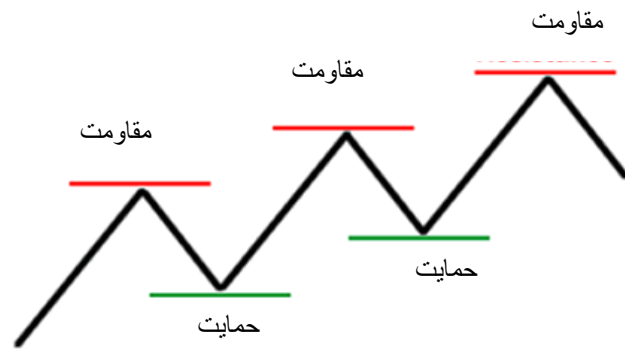
کلاس پنجم: نشانگرهای متداول (ایندیکاتور)

- باندهای بولینگر®
- واگرایی و همگرایی میانگین متحرک (MACD)
- توقف و تغییر جهت سهمی (SAR)
- استوکستیک (Stochastics)
- شاخص قدرت نسبی (RSI)
- شاخص جهتدار میانگین
- ایچی موکو (Ichimoku)
- نگاه کلی به نشانگرها
- پرسودترین نشانگر کدام است؟
- خلاصه: نشانگرهای متداول

حمایت و مقاومت

حمایت و مقاومت یکی از مفاهیم پرکاربرد در داد و ستد است. عجیب است که هر کسی ایده خاص خود را درباره نحوه اندازه‌گیری حمایت و مقاومت دارد.

اجازه دهید ابتدا نگاهی به اصول اولیه بیندازیم.



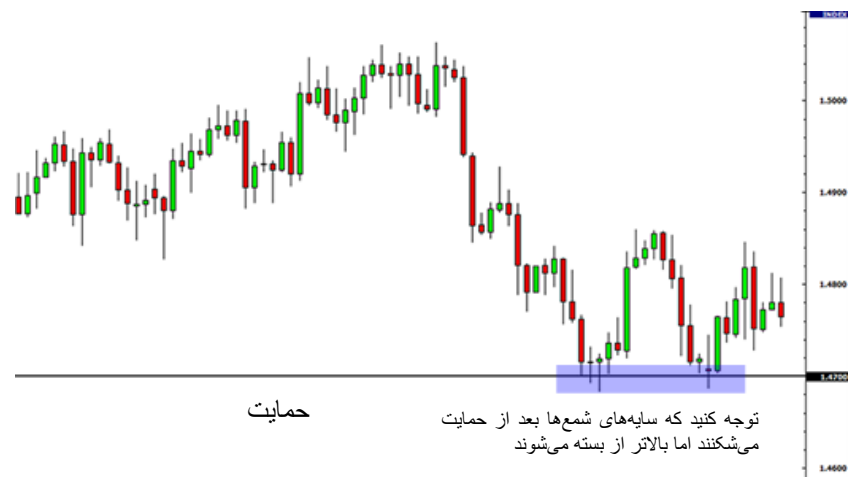
به نمودار بالا نگاه کنید. همانطور که می‌بینید، این الگوی زیگزاگ مسیر رو به بالا دارد (Bull). هنگامی که بازار به سمت بالا می‌رود و سپس به سمت پایین، بالاترین نقطه قبل از نزول، مقاومت است.

با ادامه روند صعودی بازار، پایین‌ترین نقطه قبل از آغاز برگشت، حمایت است. در این راه، مقاومت و حمایت با نوسان بازار در طول زمان به طور مستمر تشکیل می‌شوند. همین امر برای جهت حرکت نزولی صدق می‌کند.

رسم حمایت و مقاومت

یک نکته را به یاد داشته باشید: سطوح حمایت و مقاومت اعداد دقیق نیستند.

اغلب اوقات می‌بینید که سطح حمایت یا مقاومت شکسته به نظر می‌رسد اما خیلی زود درمی‌یابید که بازار در حال تست آن بوده است. در نمودار شمعی، این «تست‌های» حمایت و مقاومت معمولاً با سایه شمع نشان داده می‌شوند.



توجه کنید که چگونه سایه‌های شمع سطح حمایت ۱.۴۷۰۰ را تست کردند. در این زمان‌ها، به نظر می‌رسد که بازار در حال «شکستن» حمایت است. در حقیقت می‌توانیم ببینیم که بازار صرفاً در حال تست این سطح بوده است.

پس از کجا بفهمیم که حمایت و مقاومت واقعا شکسته شده‌اند؟

پاسخ مشخصی برای این سوال وجود ندارد. بعضی می‌گویند که سطوح حمایت و مقاومت وقتی شکسته می‌شوند که بازار عملا از آن سطح بگذرد و بسته شود. اما بزودی می‌فهمید که همیشه این طور نیست.

اجازه دهید نگاهی به یک مثال بیندازیم که در آن بازار از سطح حمایت ۱.۴۷۰۰ می‌گذرد و بسته می‌شود.



در این مورد قیمت پایین‌تر از سطح حمایت ۱.۴۷۰۰ بسته شده است اما دوباره به بالای آن بازگشته است.

اگر اعتقاد داشتید که این نقطه نقطه شکست واقعی است و جفت ارزتان را می‌فروختید، مسلما ضرر می‌کردید.

حال که به نمودار نگاه می‌کنید، می‌توانید ببینید و نتیجه بگیرید که حمایت نه تنها شکسته نشده بلکه قوی‌تر هم شده است.

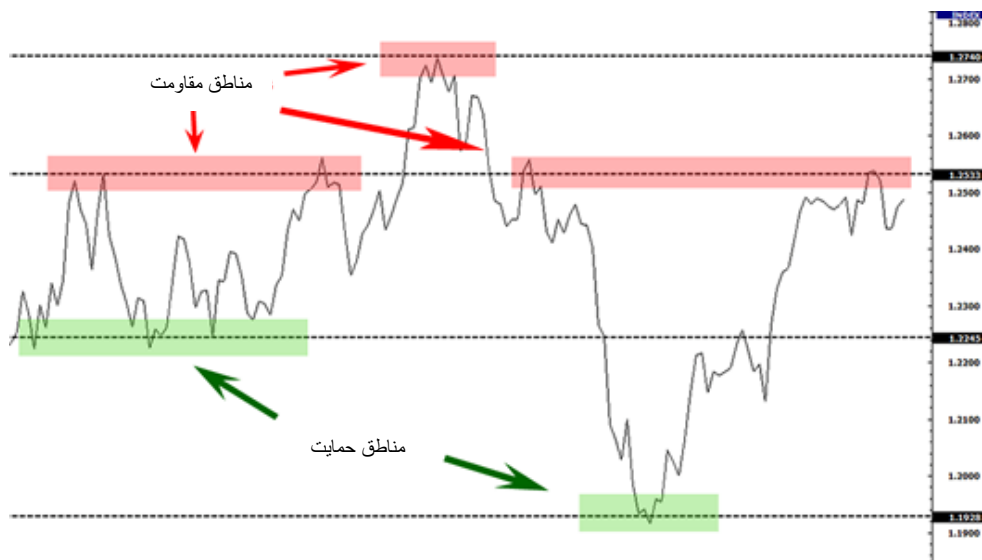
برای اینکه بتوانید این نقاط شکست کاذب را به درستی پیدا کنید، باید مقاومت و حمایت را همچون یک سری مناطق در نظر بگیرید و نه اعداد مشخص.

یک راه برای کمک به شما در پیدا کردن این مناطق همانا رسم مقاومت و حمایت روی نمودار خطی به جای نمودار شمعی است. دلیلش این است که نمودار خطی فقط قیمت بسته شدن را به شما نشان می‌دهد درحالی‌که نمودار شمعی قیمت‌های سقف و کف را هم نشان می‌دهد.

این قیمت‌های سقف و کف گمراه کننده‌اند چرا که اغلب اوقات فقط عکس‌العمل‌های عصبی بازارند. مثل این است که شخصی کار عجیبی بکند و وقتی به او بگویید فقط پاسخ دهد که: «بخشید، دست خودم نیست، تیک عصبیه.»

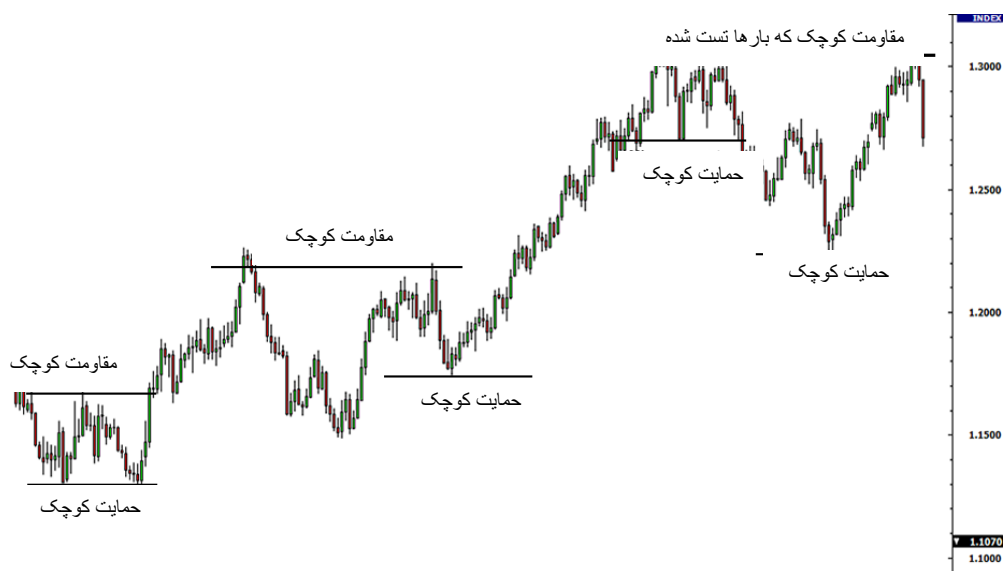
وقتی حمایت و مقاومت را رسم می‌کنید، دنبال عکس‌العمل‌های غیر ارادی بازار نیستید بلکه حرکات ارادی آن را می‌خواهید.

با نگاه به نمودار خطی، می‌خواهید خطوط حمایت و مقاومت را رسم کنید. این خطوط را جایی می‌کشید که قیمت چندین قله یا دره را تشکیل می‌دهد.



سایر نکات جالب درباره حمایت و مقاومت:

- وقتی بازار از مقاومت می‌گذرد، مقاومت به طور بالقوه می‌تواند به حمایت تبدیل شود.
 - هر چقدر قیمت سطح مقاومت و حمایت را تست کند ولی آن را نشکند، آن سطح حمایت یا مقاومت قوی‌تر می‌شود.
- وقتی یک حمایت یا مقاومت می‌شکند، قدرت حرکت دنباله‌روی بستگی دارد که مقاومت یا حمایت شکسته شده با چه قدرتی حفظ می‌شود.



با کمی تمرین، می‌توانید مناطق بالقوه حمایت و مقاومت را به راحتی پیدا کنید. در درس بعدی، نحوه معامله خطوط مورب حمایت و مقاومت موسوم به خطوط روند را بررسی می‌کنیم.

خطوط روند

خطوط روند احتمالاً رایج‌ترین شکل تحلیل تکنیکال هستند و احتمالاً یکی از پرکاربردترین آنها.

اگر خطوط روند به درستی رسم شوند، می‌توانند مثل هر روش دیگری دقیق باشند. متأسفانه، اکثر معامله‌گران آنها را به درستی رسم نمی‌کنند یا سعی می‌کنند متناسب با بازار رسم کنند.

در ابتدایی‌ترین شکل خود، خط روند صعودی در کف واضح‌ترین مناطق حمایت قابل شناسایی (دره‌ها) رسم می‌شود. در روند نزولی، خط روند در سقف واضح‌ترین مناطق مقاومت قابل شناسایی (قله‌ها) رسم می‌شود.

خطوط روند چگونه رسم می‌شوند؟

برای رسم صحیح خطوط روند، فقط کافی است که دو سقف یا کف بزرگ را پیدا کرده و متصل‌شان کنید.

گام بعدی چیست؟

هیچی.

همین؟

بله، همین قدر ساده است.

خطوط روند در عمل به صورت زیر است! به آن امواج نگاه کنید!



انواع روندها

سه نوع روند وجود دارد:

۱. روند صعودی (کف‌های بالاتر)

۲. روند نزولی (سقف‌های پایین‌تر)

۳. روندهای خنثی (محدوده)

چند نکته مهم در مورد خطوط روند:

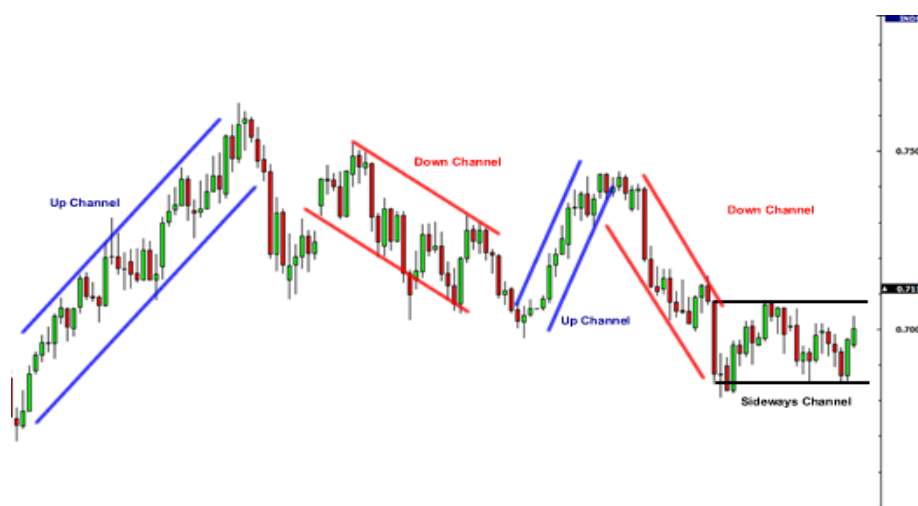
- رسم خط روند معتبر نیاز به دو سقف یا کف دارد اما تایید خط روند نیاز به سه تا دارد.
- هر چه خط روند رسم شده تندتر (با شیب بالاتر) باشد، کمتر قابل اعتماد است و به احتمال زیاد خواهد شکست.
- مانند سطوح حمایت و مقاومت افقی، هر چه خطوط روند بیشتر تست شوند قوی‌تر می‌شوند.
- و از همه مهم‌تر، هرگز خطوط روند را طوری رسم نکنید که متناسب با بازار باشند. اگر خط روند متناسب نیست، پس معتبر نیست!

کانال‌ها

اگر از مرحله رسم خطوط روند یک مرحله بالاتر بباییم و همزمان یک خط موازی با خط روند صعودی یا خط روند نزولی با همان زاویه رسم کنیم، در واقع یک کانال ایجاد کرده‌ایم.

با این حال، این بدان معنی نیست که باید مثل پیام‌های بازرگانی از کنار آن رد شوید - کانال‌ها می‌توانند مثل مراسم دختر شایسته همچنان انگیز باشند!

کانال‌ها ابزار دیگری در *تحلیل تکنیکال* هستند که برای تعیین مکان‌های خوب یا بد برای خرید و فروش به کار می‌رود. سقف و کف کانال‌ها نشان دهنده مناطق بالقوه‌ی حمایت و مقاومت است.



برای ایجاد کانال صعودی، تنها کافی است یک خط موازی با خط روند صعودی رسم کنید و آن را با همان زاویه بکشید تا اولین قله را لمس کند. این کار را باید همزمان با ایجاد خط روند انجام دهید.

برای ایجاد کانال نزولی، تنها کافی است یک خط موازی با خط روند نزولی رسم کنید و آن را با همان زاویه بکشید تا اولین دره را لمس کند. این کار را باید همزمان با کشیدن خط روند انجام دهید.

جایی که قیمت‌ها به خط روند پایینی برخورد می‌کنند ممکن است به عنوان منطقه خرید استفاده شود.
جایی که قیمت‌ها به خط روند بالایی برخورد می‌کنند ممکن است به عنوان منطقه فروش استفاده شود.

انواع کانال‌ها

سه نوع کانال وجود دارد:

۱. کانال صعودی (سقف‌های بالاتر و کف‌های بالاتر)

۲. کانال نزولی (سقف‌های پایین‌تر و کف‌های پایین‌تر)

۳. کانال افقی (دامنه)

نکات مهم در مورد خطوط روند

- هنگام ایجاد کانال، هر دو خط روند باید به موازات یکدیگر باشند.
 - به طور کلی، کف کانال به عنوان محدوده خرید در نظر گرفته می‌شود در حالی که سقف کانال محدوده فروش در نظر گرفته می‌شود.
- مانند رسم خطوط روند، هرگز قیمت را به سمت کانال‌هایی که رسم می‌کنید سوق ندهید! مرز کانالی که به یک زاویه شیب‌دار است در حالی که مرز کانال مربوطه به زاویه دیگری شیب‌دار است صحیح نیست و می‌تواند به معاملات بد منجر شود.

معامله با کمک خطوط

حالا که اصول اولیه را می‌دانید، وقت آن است که این ابزارهای فنی ساده اما بسیار مفید را در داد و ستد به کار ببریم. از آنجا که می‌خواهیم همه چیز را ساده کنیم، سطوح حمایت و مقاومت داد و ستد را به دو ایده ساده تقسیم می‌کنیم: پرش و شکست.

پرش

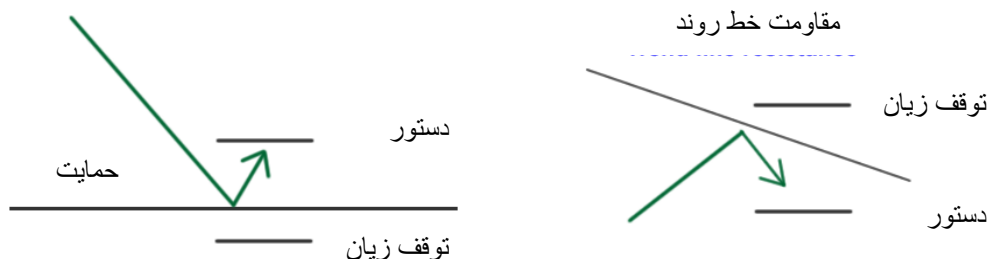


همانگونه که از نام آن پیداست، یکی از روش‌های سطوح حمایت و مقاومت داد و ستد درست بعد از پرش است.

بسیاری از معامله‌گران خرده‌فروشی این اشتباه را مرتکب می‌شوند که دستورات خود را مستقیماً روی سطوح حمایت و مقاومت تنظیم می‌کنند و پ صبر می‌کنند تا معامله مورد نظرشان انجام شود. ممکن است این روش بعضی اوقات جواب دهد اما این روش فرض می‌کند که سطح حمایت یا مقاومت سر جای خود می‌ماند بدون آنکه قیمت واقعا به آنجا برسد.

ممکن است با خود بگویید، «چرا یک دستور ورودی درست روی خط نگذارم؟ به این ترتیب، خیالم از بهترین قیمت ممکن راحت می‌شود.»

هنگام بازی پرش، می‌خواهیم اوضاع را به نفع خود تغییر دهیم و نوعی تایید به دست آوریم که حمایت یا مقاومت باقی خواهد ماند. به جای خرید یا فروش در همان ابتدای کار، صبر کنید که قبل از ورود، پرش کند. با انجام این کار، از آن لحظاتی که قیمت سریع حرکت می‌کند و در سطوح حمایت و مقاومت می‌شکند اجتناب می‌کنید. بنا به تجربه، گرفتن چاقوی در حال سقوط می‌تواند واقعا خطرناک باشد...



شکست

در دنیای کامل، سطوح حمایت و مقاومت تا ابد باقی می‌مانند، غذاهای مک دونالد سالم خواهند بود و همه ما روی کوله پشتی خود جت داریم. در دنیای کامل داد و ستد، می‌خواهیم هرگاه قیمت به سطوح حمایت و مقاومت مهم برخورد می‌کند پرش کنیم و کلی پول به جیب بزنیم. واقعیت امر این است که این سطوح اغلب شکسته می‌شوند.

بنابراین، فقط بازی پرش کافی نیست. همچنین باید بدانید که هرگاه سطوح حمایت و مقاومت راه می‌دهند چه باید کرد! دو راه برای بازی شکستن وجود دارد: راه تهاجمی یا راه محافظه کار.

راه تهاجمی

ساده ترین راه برای بازی شکستن همانا خرید یا فروش در هر زمانی است که قیمت از منطقه حمایت یا مقاومت عبور متقاعدکننده‌ای دارد. کلمه کلیدی در اینجا متقاعدکننده است زیرا فقط می‌خواهیم در زمانی که قیمت از سطح حمایت یا مقاومت عبور می‌کند وارد شویم.

می‌خواهیم منطقه حمایت یا مقاومت طوری عمل کند انگار که همین الان ضربه کاراته چاک نوریس را دریافت کرده است: می‌خواهیم قیمت در آنجا بشکند و از درد به خود بیچد



راه محافظه کارانه

این وضعیت فرضی را در نظر بگیرید: تصمیم دارید EUR/USD را خریداری کنید به امید آن که پس از پرش از سطح حمایت افزایش یابد. بلافاصله پس از آن، حمایت می‌شکند و اکنون در موقعیت ضرر قرار دارید، و مانده حساب‌تان به آرامی در حال سقوط است.

آیا ...

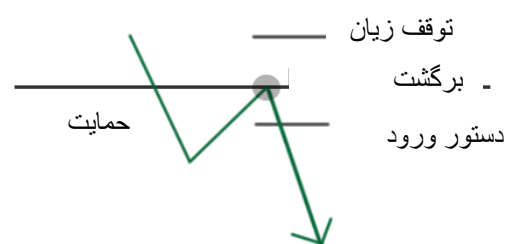
۱. شکست را می‌پذیرید، و موقعیت خود را نقد می‌کنید؟

یا

۲. معامله خود را حفظ می‌کنید و صبر می‌کنید تا قیمت دوباره بالا رود؟

اگر دومی را انتخاب کنید، آنگاه به راحتی این نوع روش داد و ستد را درک می‌کنید. به یاد داشته باشید، هر زمان که موقعیتی را می‌بندید، طرف مقابل معامله را برمی‌دارد. بستن معامله (خرید) EUR/USD در نقطه سر به سر یا نزدیک آن به معنای فروش همان مقدار EUR/USD است. حال اگر فروش و نقد کردن موقعیت‌های زیان‌ده در سطح حمایت شکسته‌شده به اندازه کافی رخ دهد، قیمت معکوس خواهد شد و دوباره شروع به سقوط خواهد کرد. این پدیده دلیل اصلی این امر است که چرا سطوح حمایت شکسته شده در زمانی که می‌شکنند به مقاومت تبدیل می‌شوند.

همانطور که حدس زده‌اید، استفاده از این پدیده تماماً در مورد صبور بودن است. به جای ورود درست در زمان شکستن، صبر کنید تا قیمت به سطح حمایت یا مقاومت شکسته شده برگردد و پس از پرش قیمت وارد شوید.



چند کلمه هشدار... این امر همیشه اتفاق نمی‌افتد. «ریست شدن» سطوح حمایت و مقاومت همیشه رخ نمی‌دهد. گاهی اوقات قیمت در یک جهت حرکت می‌کند و شما را پشت سر می‌گذارد. به این دلیل، همیشه از دستور توقف استفاده کنید و هرگز فقط به دلیل امید معامله را نگه ندارید.

شمع ژاپنی چیست؟

شمع ژاپنی چیست؟

در عین حال که تحلیل نمودار شمع را در درس پیش پوشش دادیم، اندکی بیشتر آن را بررسی خواهیم کرد و درباره آن با تفصیل بیشتری بحث می‌کنیم. ابتدا بیایید مروری سریع بر آن داشته باشیم.

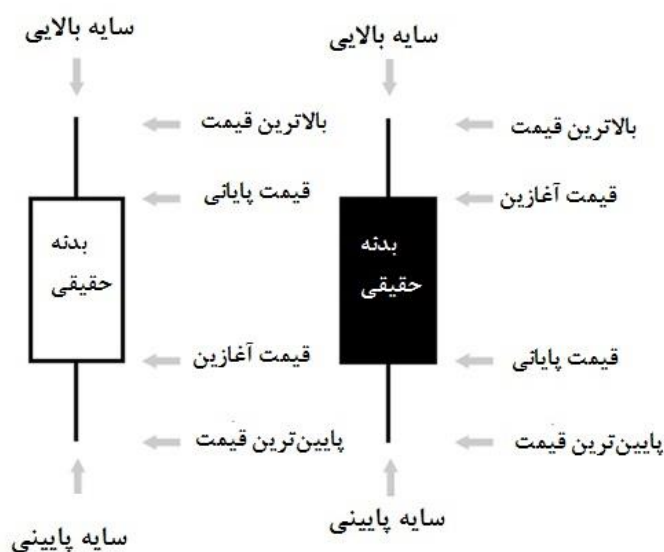
داوستد شمعی چیست؟

در روزگاران قبل، که گودزیلا مارمولک کوچک بامزه‌ای بود، ژاپنی‌ها نسخه قدیمی تحلیل فنی خود را برای داوستد برنج ابداع کردند. درست است، برنج!

یک غربی، به نام استیو نیسون تکنیک محرمانه «شمع ژاپنی» را «کشف کرد»، که آن را از دوست دلال ژاپنی‌اش آموخته بود. استیو درباره شمع‌ها تحقیق کرد، مطالعه کرد، با آن‌ها زندگی کرد، نفس کشید و آن‌ها را خورد و شروع به نوشتن درباره آن کرد. کم‌کم، در دهه ۹۰ این تکنیک محرمانه در میان عموم گسترش یافت. خلاصه آن‌که، بدون استیو نیسون، ممکن بود نمودارهای شمعی رازی مدفون شده باقی می‌ماند. استیو نیسون مرد شمع است.

بسیار خوب، چه می‌خواهید بگویید؟ شمع‌ها چه هستند؟

بهترین راه برای توضیح آن، استفاده از تصویر است:



شمع‌ها برای هر چارچوبی، خواه یک‌روزه، یک‌ساعته، ۳۰-دقیقه‌ای، هر چه بخواهید، می‌توانند استفاده شوند. شمع‌ها برای توضیح کنش‌های قیمت در چارچوب زمانی معینی استفاده می‌گردد.

شمع‌ها با استفاده از قیمت آغازین، بالاترین قیمت، پایین‌ترین قیمت و قیمت پایانی دوره زمانی انتخابی شکل می‌گیرد.

- اگر قیمت پایانی بالای قیمت آغازین باشد، آن‌گاه شمع توخالی (معمولاً به صورت سفید نشان داده می‌شود) کشیده می‌شود.
- اگر قیمت پایانی زیر قیمت آغازین باشد، آن‌گاه شمعی توپر (معمولاً به صورت سیاه نشان داده می‌شود) کشیده می‌شود.
- بخش توخالی یا توپر شمع «بدنه حقیقی» یا «بدنه» نامیده می‌شود.
- خطوط باریکی که از بالا و پایین بدنه کشیده شده، گستره بالاترین قیمت/پایین‌ترین قیمت را نشان می‌دهد، سایه نام دارد.
- بالای سایه بالایی «بالاترین قیمت» است.
- پایین سایه پایینی «پایین‌ترین قیمت» است.

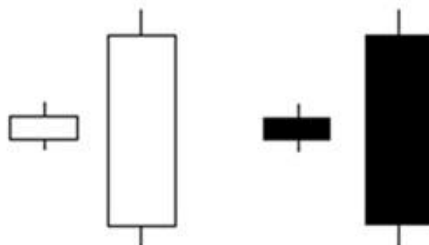
بدنه‌های جذاب و سایه‌های عجیب

درست همانند انسان‌ها، بدنه‌های شمع‌ها اندازه‌های مختلف دارند.

بدنه‌های بلند، خرید و فروش قوی را نشان می‌دهد. هرچه بدنه بلندتر باشد، فشار خرید یا فروش شدیدتر است. این بدان معناست که خریداران یا فروشندگان قوی‌تر بوده‌اند و کنترل را به دست گرفته‌اند.

بدنه‌های کوتاه بر فعالیت خرید یا فروش بسیار اندک اشاره دارد. در زبان ویژه فارکس، گاو نر یعنی خریداران و خرس‌ها یعنی فروشندگان.

کوتاه در برابر بلند



شمع‌های بلند سفید فشار قوی خرید را نشان می‌دهند. هرچه شمع سفید بلندتر باشد، قیمت پایانی نسبت به قیمت آغازین افزایش بیشتری می‌یابد. این موضوع نشان می‌دهد که قیمت‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای از آغاز تا پایان افزایش یافته است و خریداران حمله‌ور شده‌اند. به عبارت دیگر، گاوهای نر به بهترین شکل به پشت خرس‌ها ضربه زده‌اند!

شمع‌های سیاه بلند (توپر) فشار شدید فروشندگان را نشان می‌دهد. هرچه شمع سیاه بلندتر باشد، قیمت پایانی نسبت به قیمت آغازین کاهش بیشتری می‌یابد. این موضوع نشان می‌دهد که قیمت‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای نسبت به آغاز کاهش یافته است و فروشندگان حمله‌ور شده‌اند. به عبارت دیگر، خرس‌ها گاوهای نر را با شاخ‌هایشان به چنگ آورده‌اند و بدن‌های آنان را به هم می‌کوبند!

سایه‌های مرموز

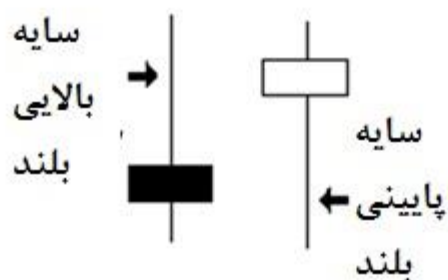
سایه‌های بالایی و پایینی شمع‌ها سرخ‌های مهمی درباره جلسه دادوستد در اختیارمان می‌گذارد.

سایه‌های بالایی بالاترین قیمت جلسه را مشخص می‌کند. سایه‌های پایینی پایین‌ترین قیمت جلسه را مشخص می‌کند.

شمع‌هایی با سایه‌های بلند نشان می‌دهند که کنش‌های دادوستد به خوبی قبل از قیمت آغاز و پایان اتفاق افتاده است (با قیمت آغاز و پایان فاصله زیادی دارد).

شمع‌هایی با سایه‌های کوتاه نشان می‌دهد که اکثر کنش‌های دادوستد در نزدیکی قیمت آغاز و پایان محدود شده است.

سایه های بلند



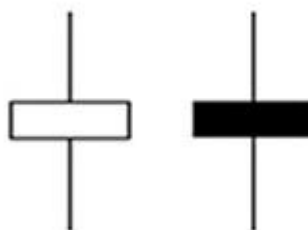
اگر شمعی سایه بالایی بلند یا سایه پایینی کوتاه داشته باشد، یعنی خریداران قدرت خود را به معرض نمایش گذاشته و قیمت‌های بالاتری را درخواست کرده‌اند، اما به این دلیل یا هر دلیل دیگر، فروشندگان وارد شده و قیمت‌ها را به عقب و پایین می‌رانند تا جلسه را با قیمتی نزدیک به قیمت آغازین آن به اتمام برسانند.

اگر شمعی سایه پایینی بلند یا سایه بالایی کوتاه داشته باشد، یعنی فروشندگان قدرت خود را نشان داده و قیمت‌ها را مجبور به پایین رفتن کرده‌اند، اما به این دلیل یا هر دلیل دیگر، خریداران وارد شده و قیمت‌ها را به عقب و بالا می‌رانند تا جلسه را با قیمتی نزدیک به قیمت آغازین آن به اتمام برسانند.

اوج‌های چرخان^۱

شمع‌هایی با سایه بالایی بلند، سایه پایینی کوتاه و بدنه حقیقی کوچک اوج‌های چرخان نامیده می‌شود. رنگ بدنه حقیقی چندان مهم نیست. این الگو دودلی را در خریداران و فروشندگان نشان می‌دهد.

اوج‌های چرخان



بدنه حقیقی کوچک (چه توخالی چه توپر) تغییر کوچکی را از قیمت آغازین به پایانی نشان می‌دهد و سایه‌ها نشان می‌دهند که هم خریداران و هم فروشندگان در حال ستیز هستند اما هیچ کس نمی‌تواند برنده شود.

حتی با وجود آن‌که جلسه با تغییری کوچک آغاز شود یا پایان یابد، قیمت‌ها در این اثنا به طور قابل‌ملاحظه‌ای بالاتر و پایین‌تر می‌رود. نه خریداران و نه فروشندگان می‌توانند برنده شوند و نتیجه بازی تساوی است.

اگر اوج‌های چرخان در طول روندهای روبه‌بالا شکل گیرد، معمولاً به این معناست که خریداران زیادی باقی‌مانده است و ممکن است جهت معکوس شود.

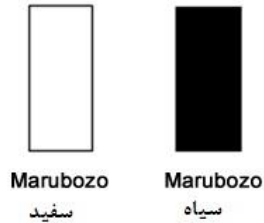
اگر اوج‌های چرخان در طول روندهای روبه‌پایین شکل گیرد، معمولاً به این معناست که فروشندگان زیادی باقی‌مانده است و ممکن است جهت معکوس شود.

Marubozu

Marubozu یعنی هیچ سایه‌ای از بدنه‌ها وجود ندارد. بسته به آن‌که بدنه شمع توپر یا توخالی باشد، بالاترین و پایین‌ترین قیمت، همانند قیمت آغازین یا پایانی آن یکسان خواهد بود. دو نوع Marubozu را در شکل زیر بررسی کنید.

^۱ Spinning Tops

Marubozu



Marubozu سفید شامل بدنه سفید بلند بدون هیچ سایه‌ای است. قیمت آغازین مساوی پایین‌ترین قیمت است و قیمت پایانی مساوی بالاترین قیمت است. این شکل، شمع‌مایل به صعود است زیرا نشان می‌دهد که خریداران کنترل کل جلسه را در دست داشته‌اند.

Marubozu سیاه شامل بدنه سیاه بلند بدون هیچ سایه‌ای است. قیمت آغازین مساوی بالاترین قیمت است و قیمت پایانی مساوی پایین‌ترین قیمت است. این شکل، شمع بسیار مایل به نزول است زیرا نشان می‌دهد که فروشندگان کل جلسه را تحت کنترل دارند.

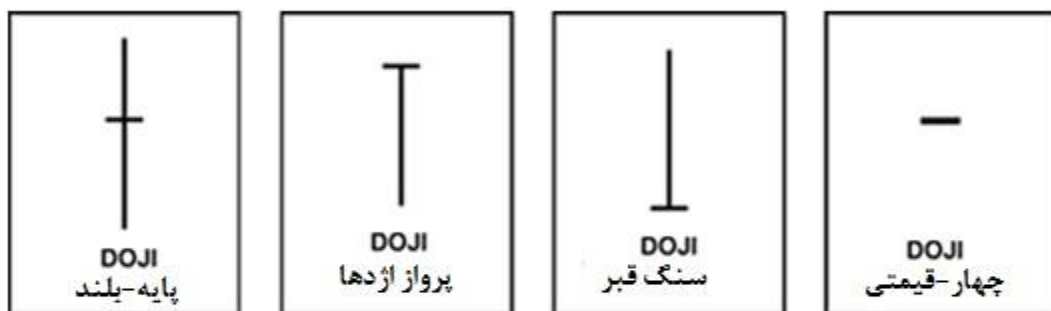
Doji

شمع‌های Doji دارای قیمت آغاز و پایان یکسان هستند یا حداقل بدنه‌هایشان به شدت کوچک است. Doji باید بدنه کوچکی داشته باشد به گونه‌ای که به صورت خط باریک به نظر برسد.

شمع‌های Doji نشان‌دهنده دودلی یا نزاع بر سر حاکمیت میان خریداران و فروشندگان است. در طول جلسه قیمت‌ها به بالا و پایین قیمت آغازین حرکت می‌کنند، اما در قیمتی بسیار نزدیک به قیمت آغازین خاتمه می‌یابد.

نه خریداران و نه فروشندگان می‌توانند برنده شده و در نهایت نتیجه تساوی به دست می‌آید.

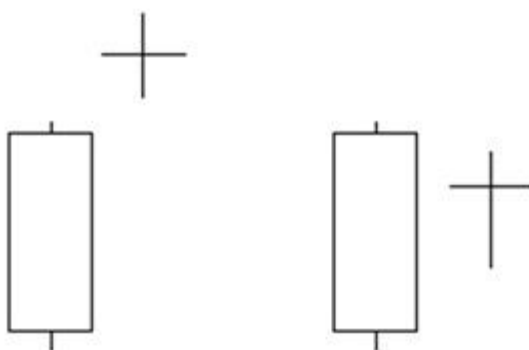
چهار نوع شمع Doji خاص وجود دارد. طول سایه‌های بالایی و پایینی می‌تواند تغییر کند و شمع حاصله شبیه به صلیب، صلیب برعکس یا علامت به علاوه به نظر می‌رسد. کلمه Doji هم به شکل مفرد و هم جمع آن برمی‌گردد.



هنگامی که Doji روی نمودارتان شکل گیرد، توجه ویژه‌ای به شمع‌های پیشاینده داشته باشید.

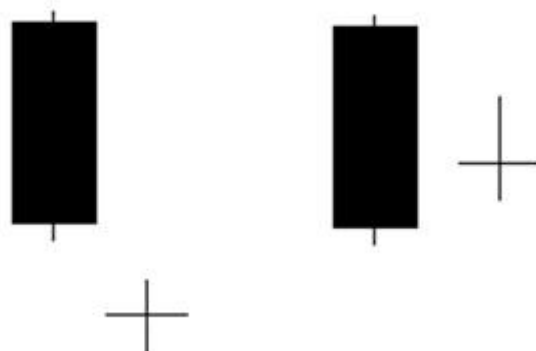
اگر بعد از چند شمع با بدنه‌های توخالی بلند (مانند Marubozu سفید)، Doji شکل گیرد، Doji نشان می‌دهد که خریداران در حال تحلیل رفتن و ضعیف شدن هستند. برای آن‌که قیمت‌ها به بالا رفتن ادامه دهند، خریداران بیشتری لازم است اما خریدار دیگری وجود ندارد! فروشندگان به دل خود صابون می‌زنند و به دنبال آن هستند که وارد شده و دوباره قیمت‌ها را به پایین برگردانند.

شمع سفید بلند + Doji



اگر بعد از چند شمع با بدنه‌های توپر بلند (مانند Marubozu مشکی)، Doji شکل گیرد، Doji نشان می‌دهد که فروشندگان در حال تحلیل رفتن و ضعیف شدن هستند. برای آن‌که قیمت‌ها به پایین رفتن ادامه دهند، فروشندگان بیشتری لازم است اما همه فروشندگان محو شده‌اند! خریداران برای فرصتی که دوباره ارزانی شود، به دل خود صابون می‌زنند.

شمع بلند سیاه + Doji



درحالی‌که به دلیل نبود فروشندگان جدید، این تنزل در حال از بین رفتن است، قدرت خرید بیشتر لازم است تا هرگونه معکوس‌سازی مورد تأیید قرار گیرد. به دنبال شمع سفید برای پایان دادن در قیمتی بالاتر از قیمت آغاز شمع بلند سیاه باشید.

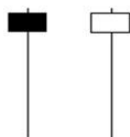
در بخش‌های بعدی بر شکل‌گیری شمعه‌هایی خاص و آنچه آن‌ها به ما می‌گویند نگاه خواهیم کرد. امیدواریم در انتهای این درس شمعه‌ها، بدانید چگونه الگوهای شمعه‌ها را شناسایی کرده و تصمیمات دادوستدی صحیحی بر مبنای آن‌ها بگیرید.

رنجرهای منفرد، الگوهای شمعه یگانه

چکش و مرد به‌دار آویخته^۲

چکش و مرد به‌دار آویخته دقیقاً مانند هم به نظر می‌رسند اما بسته به کنش‌های قبلی قیمت معانی کاملاً متفاوتی دارند. هر دو بدنه‌های کوچک و (سیاه یا سفید)، سایه‌های پایینی بلند و سایه‌های بالایی کوتاه دارند، یا هیچ سایه بالایی ندارند.

چکش و مرد به‌دار آویخته



چکش



مرد به‌دار آویخته



چکش الگوی معکوس صعودی است که در طی روند روبه‌پایین شکل می‌گیرد. نام‌گذاری آن به این دلیل است که بازار در حال هموار کردن سطح با چکش است.

^۲ Hanging man

هنگامی که قیمت‌ها در حال افت است، چکش‌ها نشان می‌دهند که نزدیک به پایان راه هستیم و قیمت دوباره شروع به افزایش خواهد کرد. سایه پایینی بلند نشان می‌دهد که فروشندگان قیمت‌ها را پایین تر برده‌اند، اما خریداران توانسته‌اند بر این فشار خرید فائق آمده و با قیمتی نزدیک به قیمت آغاز معامله را پایان دهند.

تنها به این دلیل که شکل چکش در روند روبه پایین مشاهده می‌کنید، به این معنا نیست که به صورت خودکار سفارش خرید بگذارید! پیش از آن که برای شلیک مطمئن باشد، لازم است صعود بیشتر تأیید شود.

مثالی نوعی از این تأیید می‌تواند انتظار کشیدن برای شمع سفید باشد تا در بالای قیمت آغازین، در بخش سمت راست چکش معامله پایان یابد.

معیار تشخیص:

- سایه بلند حدوداً دو یا سه برابر بدنه حقیقی است.
- سایه بالایی کوچک یا صفر.
- بدنه حقیقی در انتهای بالای گستره دادوستد است.
- رنگ بدنه حقیقی مهم نیست.

مرد به‌دار آویخته، الگوی معکوس نزولی است که می‌تواند سطح مقاومت بالا یا قوی را نیز نشان دهد. هنگامی که قیمت در حال افزایش است، شکل‌گیری مرد به‌دار آویخته مشخص می‌کند که تعداد فروشندگان نسبت به خریداران شروع به افزایش کرده است.

سایه پایینی بلند نشان می‌دهد که فروشندگان در این جلسه قیمت را پایین کشانده‌اند. خریداران توانسته‌اند اندکی قیمت را به صورت قبل به بالا برگردانند اما این قیمت تنها نزدیک به قیمت آغاز است.

این اتفاق باید زنگ اخبارها را به صدا درآورد زیرا به ما می‌گوید دیگر خریدارانی باقی نمانده است تا تحرک لازم را برای حفظ روند صعودی قیمت تأمین کند.

معیار تشخیص:

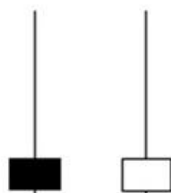
- سایه پایینی بلند حدوداً دو یا سه برابر بدنه حقیقی است.
- سایه بالایی کوچک یا صفر.
- بدنه حقیقی در انتهای بالای گستره دادوستد است.

- رنگ بدنه حقیقی مهم نیست، در حالی که بدنه سیاه نزولی تر از بدنه سفید است.

چکش معکوس و ستاره تیرانداز

چکش معکوس و ستاره تیرانداز نیز همانند هم به نظر می‌رسند. تنها تفاوت میان آن‌ها آن است که در روند روبه پایین یا روبه بالا هستید. هر دو شمع بدنه‌های ریز و کوچک (توپر یا توخالی)، سایه‌های بالایی بلند، و سایه‌های پایینی کوچک یا صفر دارند.

چکش معکوس و ستاره تیرانداز



چکش معکوس



ستاره تیرانداز



چکش معکوس زمانی اتفاق می‌افتد که قیمت‌ها در حال کاهش است که نشان‌دهنده معکوس‌سازی احتمالی است. سایه بالایی بلند نشان می‌دهد که خریداران سعی کرده‌اند قیمت بالاتری را تقاضا کنند.

از آنجا که فروشندگان نتوانستند قیمت را به هیچ مقدار کمتری در پایان برسانند، این اتفاق شاخص خوبی از آن است که هرکسی می‌خواسته بفروشد، تاکنون فروخته است، و اگر دیگر فروشنده‌ای نمانده باشد، چه چیز باقی می‌ماند؟ خریداران.

ستاره تیرانداز الگوی معکوس صعودی است که همانند چکش معکوس به نظر می‌رسد اما هنگامی که قیمت‌ها افزایش می‌یابد، اتفاق می‌افتد. شکل آن نشان می‌دهد که قیمت در پایین‌ترین مقدار آن آغاز شده است، بالا رفته، اما دوباره به حدود مقدار قبلی خود برگردانده شده است. این یعنی خریداران سعی کرده‌اند قیمت را به بالا بکشانند، اما فروشندگان وارد شده و بر آن‌ها غلبه کرده‌اند. این اتفاق علامت قطعی صعود است زیرا هیچ خریدار دیگری باقی نمانده است چون همه آن‌ها قتل عام شده‌اند.

دربرگرفتن صعودی



در برگرفتن نزولی



الگوی دربرگرفتن صعودی الگویی با دو شمع است که نشان می‌دهد حرکت قوی رو به بالا ممکن است در حال شکل گرفتن باشد. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که شمعی نزولی فوراً با شمع صعودی بزرگ‌تری دنبال شود.

این شمع دوم شمع نزولی را «در برمی‌گیرد». این یعنی خریداران در حال قدرت‌نمایی هستند و بعد از روندی رو به پایین یا دوره‌ای تحکیمی، حرکت قوی رو به بالایی می‌تواند رخ دهد.

از سوی دیگر، الگوی فرو بردن نزولی برعکس الگوی صعودی است. این نوع الگو زمانی رخ می‌دهد که شمعی صعودی فوراً با شمعی نزولی دنبال شود که کاملاً آن را «فرو می‌برد». این یعنی فروشندگان بر خریداران برتری یافته‌اند و حرکت قوی رو به پایینی می‌تواند رخ دهد.

ستاره‌های عصرگاهی و صبح‌گاهی

ستاره صبح‌گاهی



ستاره عصرگاهی



ستاره صبح‌گاهی و ستاره عصرگاهی الگوهای شمع سه‌گانه هستند که می‌توانید به سادگی آن‌ها را در انتهای روند بیابید. آن‌ها الگوهای معکوسی هستند که می‌توانند از این سه مشخصه شناسایی شوند:

۱. شمع اول شمعی صعودی است، که بخشی از روندهای روبه‌بالای اخیر است.

۲. شمع دوم دارای بدنه کوچک است، که نشان می‌دهد اندکی دودلی می‌تواند در بازار وجود داشته باشد. این شمع می‌تواند صعودی یا نزولی باشد.

۳. هرچه شمع به نقطه میانی شمع اول نزدیک می‌شود، شمع سوم به صورت تأییدی عمل می‌کند بر این‌که معکوسی در پیش است.

سه سرباز سفید و سه کلاغ سیاه

سه سرباز سفید



سه کلاغ سیاه



الگوی سه سرباز سفید زمانی شکل می‌گیرد که سه شمع صعودی بلند به دنبال روندی روبه‌پایین بیاید، که نشان می‌دهد معکوسی اتفاق افتاده است. این نوع الگوی شمع به عنوان یکی از قوی‌ترین علامت‌های صعود برای شما در نظر گرفته می‌شود، به ویژه زمانی که بعد از روند روبه‌پایین و دوره‌ای کوتاه از تحکیم رخ دهد.

اولین سرباز از این سه سرباز سفید شمع معکوس نامیده می‌شود. ممکن است به روندی روبه‌پایین منتهی شود یا بر این اشاره داشته باشد که دوره تحکیمی که به دنبال روند روبه‌پایین آمده، به اتمام رسیده است.

برای آن‌که الگو معتبر باشد، شمع دوم باید از بدنه شمع قبلی بزرگ‌تر باشد. همچنین، شمع دوم باید در بالاترین قیمت آن پایان یابد و فتیله‌ی بالایی کوچکی بر جای گذارد یا هیچ فتیله‌ای باقی نماند.

برای آن‌که الگوی سه سرباز سفید کامل شود، شمع سوم باید حداقل هم‌اندازه شمع دوم باشد و سایه‌ای کوچک داشته یا سایه‌ای نداشته باشد.

الگوی شمع سه کلاغ سیاه دقیقاً برعکس سه سرباز سفید است. این الگو زمانی شکل می‌گیرد که سه شمع نزولی به دنبال روندی روبه‌بالا بیاید، که نشان می‌دهد معکوسی در کار است. بدنه شمع دوم باید از شمع اول بزرگ‌تر باشد و باید در پایین‌ترین قیمت آن یا بسیار نزدیک به آن به پایان برسد. در نهایت، شمع سوم باید هم‌اندازه بدنه شمع دوم یا بزرگ‌تر از آن باشد و سایه پایینی بسیار کوچک داشته یا اصلاً نداشته باشد.

سه فراز و نشیب داخلی

سه نشیب داخلی



سه فراز داخلی



شکل گیری شمع سه فراز داخلی الگوی معکوس-روند است که در پایین روند روبه پایین یافت می شود. این الگو نشان می دهد که روند روبه پایین احتمالاً پایان می یابد و روند روبه بالا جدیدی آغاز می شود. برای شکل گیری شمع سه فراز داخلی، به این ویژگی ها نگاه کنید:

۱. شمع اول باید در پایین روند روبه پایین پیدا شود و با شمع نزولی بلندی مشخص می شود.

۲. شمع دوم باید حداقل تا حد ممکن تا نقطه میانی شمع اول بالا آید.

۳. لازم است شمع سوم به بالای شمع اول نزدیک شود تا تأییدی بر آن باشد که خریداران بر قدرت روند روبه پایین فائق آمده اند.

برعکس، شکل گیری شمع سه نشیب داخلی در بالای روند روبه بالا یافت می شود. یعنی روند روبه بالا احتمالاً پایان می یابد و روند روبه پایین

جدیدی آغاز می شود. برای شکل گیری شمع سه نشیب داخلی لازم است این ویژگی ها وجود داشته باشد:

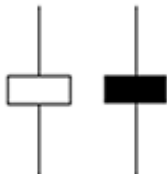
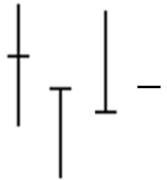




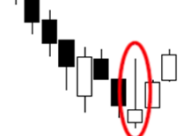
۱. شمع اول باید در بالای رونده روبه بالا پیدا شود و با شمع صعودی بلندی مشخص می شود.

۲. شمع دوم باید حداقل تا حد ممکن تا نقطه میانی شمع اول بالا آید.

۳. لازم است شمع سوم به پایین شمع اول نزدیک شود تا تأییدی بر آن باشد که فروشندگان بر قدرت روند روبه بالا فائق آمده اند.

برگه تقلب شمع‌های ژاپنی

آیا اول به این قسمت آمده‌اید؟ اگر این کار را کردید، همین الان خواندنش را متوقف کنید و ابتدا به درس کامل شمع‌های ژاپنی بروید! اگر واقعاً خواندن آن درس را تمام کردید، در این جا برگه تقلبی برای ارجاع سریع یک صفحه‌ای به شکل گیری شمع‌های یگانه، دوگانه و سه‌گانه آورده شده است تا به آسانی نوع الگویی را که در هر دادوستدی به دنبال آن هستید، شناسایی کنید. به پیش بروید و این صفحه را علامت بگذارید... نیازی به خجالت کشیدن نیست!

تعداد ستون‌ها	نام	صعودی یا نزولی؟	شکل آن چگونه است؟
	اوج چرخان	طبیعی	
	Doji	طبیعی	
	Marubozu سفید	صعودی	
یگانه	Marubozu سیاه	نزولی	
	چکش	صعودی	
	مرد به دار آویخته	نزولی	
	چکش برعکس	صعودی	



نزولی

ستاره تیرانداز

شکل آن چگونه است؟

صعودی یا نزولی؟

نام

تعداد ستون‌ها



صعودی

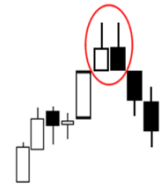
دربرگیرنده صعودی



نزولی

دربرگیرنده نزولی

دوگانه



نزولی

موچین اوج



صعودی

موچین حفیض



صعودی

ستاره صبح‌گاهی



نزولی

ستاره عصر‌گاهی

سه‌گانه



صعودی

سه سرباز سفید



نزولی

سه کلاغ سیاه



صعودی

سه بالای داخلی



نزولی

سه پایین داخلی



- اگر قیمت پایانی بالای قیمت آغازین باشد، آن گاه شمع توخالی (معمولاً به صورت سفید نشان داده می شود) کشیده می شود.
- اگر قیمت پایینی زیر قیمت آغازین باشد، آن گاه شمعی توپر (معمولاً به صورت سیاه نشان داده می شود) کشیده می شود.
- بخش توخالی یا توپر شمع «بدنه حقیقی» یا «بدنه» نامیده می شود.
- خطوط باریکی که از بالا و پایین بدنه کشیده شده، گستره بالا/پایین را نشان می دهد، سایه نام دارد.
- بالای سایه بالایی «بالا» است.
- زیر سایه پایینی «پایین» است.

بدنه های بلند خرید یا فروش قوی را نشان می دهد. هرچه بدنه بلندتر باشد، فشار خرید یا فروش شدیدتر است.

بدنه های کوتاه بر فعالیت خرید یا فروش بسیار اندک اشاره دارد. در زبان ویژه فارکس، گاو نر یعنی خریداران و خرس ها یعنی فروشندگان.

سایه های بالایی بالاترین قیمت جلسه را نشان می دهد.

سایه های پایینی پایین ترین قیمت جلسه را مشخص می کند.

انواع زیادی از الگوهای شمع وجود دارد، اما می توانند بر اساس تعداد ستون هایی که الگوی شمع را تشکیل می دهند، دسته بندی شوند.

شکل گیری شمع ها به صورت یگانه، دوگانه و سه گانه است. رایج ترین انواع الگوهای شمع عبارتند از:

تعداد ستون‌ها	الگوی شمع
یگانه	اوج چرخان، Dojiها، Marubozu، چکش معکوس، مرد به‌دار آویخته، ستاره تیرانداز
دو گانه	درب‌گیرنده صعودی و نزولی، موجین اوج و حقیض
سه گانه	ستاره‌های صبح‌گاهی و عصرگاهی، سه کلاغ سیاه و سه سرباز سفید، سه فراز و نشیب داخلی

برای ارجاع سریع در خصوص معنی این الگوهای شمع، به برگه تقلب شمع‌ها رجوع کنید.

برای بهترین نتیجه، تحلیل شمع را با سطوح حمایت و مقاومت ترکیب کنید.

و در نهایت، نکاتی حکمت‌آموز در این‌جا ارائه می‌شود.

تنها به این دلیل که شمع‌ها بر معکوس‌سازی یا تداوم اشاره دارد، به این معنا نیست که یقیناً این اتفاق خواهد افتاد! همواره باید شرایط بازار و

آن‌چه را که کنش قیمت‌ها به شما می‌گوید، در نظر داشته باشید.

این بازار فارکس است و هیچ چیز در آن وحی منزل نیست.

فیوناچی کیست؟

ما از نسبت‌های فیوناچی در دادوستدهایمان بسیار استفاده خواهیم کرد پس بهتر است آن را یاد بگیرید و همانند دست‌پخت مادران آن را

دوست داشته باشید. فیوناچی موضوعی بسیار گسترده است و مطالعات بسیار متفاوتی با اسامی عجیب در این زمینه انجام شده است اما ما

می‌خواهیم به دو تا از آن‌ها بپردازیم: ردگیری مجدد^۳ و بسط.

بیاید ابتدا شما را با خود فیوناچی آشنا کنیم... لئوناردو فیوناچی.

^۳ به تغییر روند موقتی گفته می‌شود که در طی روند کلی بازار حاصل می‌شود.



نه، لئوناردو فیبوناچی سرآشپزی مشهور نیست. در واقع، او ریاضیدان مشهور ایتالیایی بود که به عنوان نابغه خیلی خیلی باهوش و مشهوری هم شناخته می‌شود.

او هنگامی که سری ساده‌ای از اعداد را، که نسبت‌هایی را به وجود می‌آوردند که ویژگی‌های طبیعی اشیا در جهان را توضیح می‌داد، کشف کرد، ناگهان فریاد زد «آهان، یافتم».

نسبت‌ها از این مجموعه اعداد ایجاد می‌شوند: ۰، ۱، ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۳، ۲۱، ۳۴، ۵۵، ۸۹، ۱۴۴ ...

این سری اعداد با صفر آغاز می‌شود و با ۱ ادامه می‌یابد، سپس $0+1$ تا ۱ به عنوان عدد سوم به دست آید. سپس، عدد دوم و سوم جمع می‌شوند $(1+1)$ تا ۲ برای عدد چهارم حاصل شود، و ادامه می‌یابد.

بعد از چند عدد اول در این توالی، اگر نسبت هر یک از این اعداد را به عدد بالاتر جلویی‌اش اندازه بگیرید، $0/618$ می‌رسید، برای مثال ۳۴ تقسیم بر ۵۵ مساوی $0/618$.

اگر نسبت دو عدد را به صورت یک در میان اندازه بگیرید، به $0/382$ می‌رسید. برای مثال ۳۴ تقسیم بر ۸۹ مساوی است با $0/382$ و هرچه پیش رویم آن قدر طولانی است که در توضیح گنجانده شود.

این نسبت‌ها «میانگین طلایی» نامیده می‌شوند. بسیار خوب، سخنان نامفهوم کافی است. با تمام آن اعداد می‌توانید فیلی را از پای درآورید. بریم سر اصل مطلب، این‌ها نسبت‌هایی هستند که مجبورید آن‌ها را بشناسید:

سطوح ردگیری فیبوناچی

$0/236$ ، $0/382$ ، $0/500$ ، $0/618$ ، $0/764$

سطوح بسط فیبوناچی

0 ، $0/382$ ، $0/618$ ، $1/000$ ، $1/382$ ، $1/618$

لازم نخواهد بود که بدانید چگونه همه این‌ها محاسبه شده‌اند. نرم‌افزار ترسیم نمودارتان تمامی کارها را برای شما انجام خواهد داد. به علاوه، ماشین حساب فیبوناچی خوبی داریم که می‌تواند این سطوح را به صورت معجزه‌آسایی برای شما محاسبه کند. در هر حال، همیشه خوب است با نظریه بنیادینی که پشت این شاخص است، آشنا باشید.

دادوستدکنندگان از سطوح ردگیری مجدد فیبوناچی به عنوان نواحی مقاومت و حمایت استفاده می‌کنند. از آن‌جا که بسیاری از دادوستدکنندگان این سطوح یکسان را مشاهده می‌کنند و سفارش‌های خرید و فروش خود را بر اساس آن‌ها می‌گذارند، تا وارد دادوستد شده یا آن را متوقف کنند، سطوح حمایت و مقاومت زمینه را برای انجام معاملات فراهم می‌کند.

دادوستدکنندگان، سطوح بسط فیبوناچی را به عنوان موقعیتی برای کسب سود استفاده می‌کنند. دوباره، به دلیل آن‌که بسیاری از دادوستدکنندگان در حال مشاهده این سطوح برای سفارش خرید و فروش به منظور دریافت سود هستند، این ابزار زمینه را برای آن مهیا می‌کند که بیشتر از انتظارات خود-تکمیل‌کننده به کار آیند.

اکثر نرم‌افزارهای ترسیم نمودار هم شامل سطوح ردگیری مجدد فیبوناچی است، هم شامل ابزارهای سطح بسط. برای آن‌که سطوح فیبوناچی را بر نمودارهایتان اعمال کنید، نیاز خواهید داشت نقاط نوسان بالا و نوسان پایین را شناسایی کنید.

نقاط بازگشت قیمت در فیبوناچی

اولین چیزی که باید درباره ابزار فیبوناچی بدانید آن است که این ابزار زمانی به بهترین شکل کار می‌کند که بازار دارای روند است. ایده آن این است که هنگامی که بازار روندی رو به بالا دارد، در ردگیری مجدد در سطح حمایت فیبوناچی اقدام به خرید کرده و زمانی که بازار روندی رو به پایین دارد، در ردگیری مجدد در سطح مقاومت فیبوناچی اقدام به فروش نمایید.

برای آن‌که این سطوح ردگیری مجدد را بیابیم، مجبورید نوسان بالاها و نوسان پایین‌های قابل توجه اخیر را پیدا کنید. سپس برای روندهای رو به پایین، بر روی نشانگر فیبوناچی کلیک کرده و سپس ماوس را بر روی بالاترین نقطه نگه داشته و آن را تا انتهای پایین‌ترین نقطه کشیده و رها کنید

برای روندهای رو به بالا، مخالف آن را انجام دهید. بر روی نشانگر فیبوناچی کلیک کرده و اشاره‌گر ماوس را بر روی پایین‌ترین نقطه قرارداده و آن را تا انتهای بالاترین نقطه بکشید و رها کنید.

حال، بیا ببینیم به چند مثال در خصوص نحوه اعمال سطوح ردگیری مجدد فیبوناچی در بازار نگاهی بیندازیم.

روند رو به بالا

این شکل نمودار روزانه دلار استرالیا/دلار آمریکا است.



در این جا با کلیک بر نوسان پایین در ۰/۶۹۵۵ در ۲۰ آوریل سطوح ردگیری مجدد فیبوناچی را ترسیم کردیم و اشاره گر ماوس را روی نوسان بالا در ۰/۸۲۶۴ در ۳ ژوئن کشیدیم. عالی است! نرم افزار به صورت معجزه آسایی سطوح ردگیری مجدد را به شما نشان می دهد. چنان که در نمودار می بینید، سطوح ردگیری مجدد ۰/۷۹۵۵ (۲۳/۶٪)، ۰/۷۷۶۴ (۳۸/۲٪)، ۰/۷۶۰۹ (۵۰/۰٪)، ۰/۷۴۵۴ (۶۱/۸٪) و ۰/۷۲۶۳ (۷۶/۴٪) بوده اند.

حال، انتظار آن است که دلار استرالیا/دلار آمریکا از قسمت بالای اخیر خود، دوباره ردگیری کند، در یکی از آن سطوح فیبوناچی، حمایت خواهد یافت زیرا هنگامی که قیمت ها دوباره به حالت قبلی خود می روند، دادوستد کنندگان سفارش های خرید خود را در این سطوح تنظیم می کنند.

اکنون، بیا ببینیم به آنچه بعد از رخداد نوسان بالا اتفاق افتاده است، نگاهی بیندازیم.



قیمت‌ها درست در سطح $۰.۷۳۶/۲۳$ عقب می‌کشد و در دو هفته بعد به افت خود ادامه می‌دهد. حتی سطح $۰.۷۳۸/۳۸$ را نیز تجربه کرده است اما نتوانسته به مقادیر زیر آن نزدیک شود.

بعد از آن، در ۱۴ ژوئیه، بازار حرکت رو به بالای خود را از سر می‌گیرد و سرانجام نوسان بالا را می‌شکند. آشکارا، خرید در سطح $۰.۷۳۸/۳۸$ فیبوناچی دادوستدی سودآور در بلندمدت خواهد بود!

روند رو به پایین

حال، بیایید ببینیم چگونه از ابزار ردگیری مجدد فیبوناچی در طول روندی رو به پایین استفاده کنیم. در زیر نمودار ۴-ساعته یورو/دلار آمریکا آورده شده است.



چنان که می‌توانید ببینید، نوسان بالای خود را در ۱/۴۱۹۵ در ۲۶ ژانویه و نوسان پایین را چند روز بعد در ۱/۳۸۵۴ در تاریخ ۲ فوریه یافتیم. سطوح ردگیری مجدد عبارتند از ۱/۳۹۳۳ (۲۳/۶٪)، ۱/۳۹۸۳ (۳۸/۲٪)، ۱/۴۰۲۳ (۵۰/۰٪)، ۱/۴۰۶۴ (۶۱/۸٪) و ۱/۴۱۱۴ (۷۶/۴٪). انتظار روند رو به پایین آن است که اگر قیمت از این مقدار پایین مجدداً ردگیری کند، در یکی از سطوح فیبوناچی با مقاومت روبه‌رو خواهد شد زیرا دادوستدکنندگان با سفارش‌های فروش خود در آن‌جا حاضر خواهند بود. بیایید به آنچه بعد از آن رخ می‌دهد نگاه کنیم.



بازار سعی می کند قیمت را بالا ببرد، برای مدتی کوتاه پیش از تجربه کردن سطح $50/0\%$ در زیر سطح $38/2\%$ تغییرات را متوقف کند. اگر سفارشی در $38/2\%$ یا $50/0\%$ داشته باشید، از این دادوستد پب‌های زیادی به جیب خواهید زد.

در این دو مثال، مشاهده می کنیم که قیمت در سطح ردگیری مجدد فیبوناچی اندکی حمایت یا مقاومت موقت را به خود دیده است. به دلیل آن که همه افراد از ابزار فیبوناچی استفاده می کنند، آن سطوح، سطوح حمایت و مقاومت خود-تکمیل کننده می شوند.

نکته‌ای را که باید در نظر داشته باشید این است که قیمت همواره از این سطوح جهش نخواهد کرد. به آن‌ها باید به عنوان نواحی دلخواه نگاه کنید .

برای الان، چیزی وجود دارد که باید درباره استفاده از ابزار فیبوناچی به یاد داشته باشید و این آن است که استفاده از آن همواره ساده نیست! اگر آن‌ها این قدر ساده بودند، دادوستدکنندگان همیشه سفارش‌های خود را در سطوح فیبوناچی قرار می دادند و بازارها روندی پیدا می کردند که تا ابد ادامه می یافت.

در درس بعد، به شما نشان می دهیم هنگامی که سطوح فیبوناچی با شکست روبرو می شود، چه اتفاقی می تواند بیفتد.

چه موقع فیبوناچی با شکست روبرو می شود

قبلاً در اول ابتدایی گفتیم سطوح حمایت و مقاومت بالاخره می شکنند. خوب، ببینیم چگونه از سطوح فیبوناچی برای یافتن سطوح حمایت و مقاومت استفاده می شود، بر فیبوناچی نیز اعمال می گردد.

حال، بیایید به مثالی توجه کنیم که ابزار ردگیری مجدد فیبوناچی با شکست روبرو می شود.

در زیر نمودار ۴-ساعته پوند /دلار آمریکا آورده شده است.

در اینجا، می‌بینید که این جفت در روندی روبه‌پایین است، پس تصمیم می‌گیرید ابزار فیبوناچی خود را به کار بگیرید، تا به شما کمک کند نقطه ورود خوبی بیابید. از نوسان بالا در $1/5383$ و نوسان پایین در $1/4799$ استفاده می‌کنید.

می‌بینید که این جفت از دو شمع قبلی، در سطح $50/0\%$ متوقف می‌شوند.

به خود می‌گویید: «اوه پسر! این سطح $50/0\%$ فیبوناچی است! متوقف شده است! زمان ناراحتی و افسوس به سر آمده است!»



حال، اگر واقعاً سفارشی در آن سطح گذاشتید، نه تنها رویایتان نقش بر آب می شود، بلکه اگر این ریسک را به درستی مدیریت نکنید، حسابتان ضربه شدیدی خواهد دید.

نگاه کنید چه اتفاقاتی می افتد.



چنین نتیجه می‌شود که نوسان پایین در زیر روند رو به پایین بوده و بازار شروع به بالاتر رفتن از نقطه نوسان بالا می‌کند.

درسی که از این می‌گیریم، چیست؟

با وجود آن که سطوح فیبوناچی، همانند سایر ابزارهای فنی، احتمال بالاتری برای موفقیت شما ایجاد می‌کنند، آن‌ها همیشه کار نمی‌کنند.

نمی‌دانید آیا قیمت پیش از سر گرفتن روند به سطح $38/2\%$ معکوس خواهد شد یا نه.

گاهی اوقات ممکن است پیش از معکوس شدن، سطوح $50/0\%$ یا $61/8\%$ را بزند. لعتنی، قیمت گاهی آقای فیبوناچی را نادیده می‌گیرد و

تمامی سطوح پیشین را می‌شکند.

به یاد داشته باشید، بعد از آن که قیمت به سطح حمایت یا مقاومت موقت می‌رسد، همواره روند رو به بالای خود را ادامه نخواهد داد، بلکه در

عوض به حرکت خود از نوسان پایین یا بالای قبلی ادامه می‌دهد.

مشکل رایج دیگر در استفاده از ابزار فیبوناچی تعیین آن است که کدام نوسان بالا و نوسان پایین استفاده شود.

افراد به شکل‌هایی متفاوت به نمودارها نگاه می‌کنند، به بازه‌های زمانی متفاوتی نگاه می‌کنند و جبهه‌گیری‌های اساسی مخصوص خود را دارند.

مبنا آن است که هیچ مسیر درست مطلق وجود ندارد، به ویژه زمانی که روند نمودار چندان واضح نیست. گاهی اوقات مسابقه حدس زدن

است.

به این دلیل است که لازم است مهارت‌های خود را تقویت کرده و ابزار فیبوناچی را با جعبه ابزار فارکستان ترکیب کرده تا احتمال موفقیتتان

بیشتر شود.

در درس بعد، به شما نشان خواهیم داد که چگونه از ابزار فیبوناچی به همراه شکل‌های دیگر سطوح حمایت و مقاومت و شمعه‌ها استفاده کنید.

ترکیب فیبوناچی با حمایت و مقاومت

همانند آنچه در بخش قبل گفتیم، استفاده از سطوح فیبوناچی می‌تواند بسیار به طرز تفکر شخص وابسته باشد. با این حال، راه‌هایی وجود

دارند که می‌توانند به شما کمک کنند تا شانس به سمت خود متمایل سازید.

در حالی که ابزار فیبوناچی بسیار مفید است، ولی نباید به تنهایی استفاده نمود.

تا حدودی مانند مقایسه‌ی آن با فوق ستاره‌ی اتحادیه ملی بسکتبال کوبی برینانت است. کوبی یکی از بهترین بازیکنان تمامی دوره‌ها است، ولی

حتی وی نیز نمی‌توانست آن مقام‌ها را به تنهایی کسب کند. او به کمی پشتیبانی نیاز دارد.

به طور مشابهی، ابزار فیبوناچی باید به صورت ترکیبی با ابزارهای دیگر استفاده شود. در این بخش، اجازه دهید آنچه تا کنون آموخته‌اید را اتخاذ کنیم و سعی کنیم آن‌ها را برای کمک به خودمان به منظور تشخیص برخی مقدمه چینی‌های تجاری مطلوب با هم ترکیب کنیم.

کاملاً آماده‌اید؟ اجازه دهید آغاز به کار کنیم!

یکی از بهترین راه‌ها برای استفاده از ابزار فیبوناچی تشخیص سطوح حمایت و مقاومت بالقوه می‌باشد و مشاهده‌ی اینکه آیا آن‌ها با سطوح

فیبوناچی اصلاحی هم‌راستا هستند.

اگر سطوح فیبوناچی پیش‌تر، سطوح مقاومت و حمایتی باشند، و شما آن‌ها را با دیگر مناطق قیمتی که بسیاری از دیگر معامله‌گران در حال

تماشای آن‌ها هستند، ترکیب بکنید، سپس شانس بالا رفتن قیمت در این مناطق بسیار بالاتر هستند.

بیا به این مثال نگاه کنید که چگونه می‌توانید سطوح حمایت و مقاومت را با سطوح فیبوناچی ترکیب کنید. در زیر نمودار روزانه‌ای از دلار

آمریکا - فرانک سوئیس (USD/CHF) ارائه می‌شود.



همان طور که مشاهده می کنید، اخیراً در روندی صعودی بوده است. به همه آن شمع‌های سبز نگاه کنید! شما هستید که تصمیم می‌گیرید که می‌خواهید از CHF / USD طولانی بهره ببرید.

۱۱ ژانویه برای نوسان کم و سقف قیمت در ۱.۰۸۹۹ در تاریخ ۱۹ فوریه برای نوسان زیاد استفاده می‌کنید.

حال نمودار شما با این همه سطوح فیبوناچی بسیار زیبا به نظر می‌رسد.



حالا که چارچوبی برای افزایش احتمال پیدا کردن ورودی یکپارچه‌ای داریم ، می‌توانیم به سوال «از کجا باید وارد شوید؟» پاسخ دهیم.

اگر نیم‌نگاهی به عقب کنید خواهید دید که قیمت ۱.۰۵۱۰ سطح مقاومت خوبی در گذشته بوده و اتفاقاً با سطح اصلاحی ۵۰٪ هم راستاست. حالا که آن شکسته است، می‌تواند به حمایت تبدیل شود و جای خوبی برای خرید باشد.



اگر در جایی اطراف سطح ۵۰٪ فیبوناچی سفارش دهید، بسیار راضی خواهید بود!

لحظات بسیار متشنجی به خصوص در محک دوم سطح حمایت در ۱ آوریل ممکن است، وجود داشته باشند. قیمت تلاش کرد از سطح حمایت عبور کند، اما موفق به نزدیک شدن در زیر آن نمی شود. در نهایت، این جفت ارز نوسان بالای قبلی را شکستند و روند صعودی خود را ادامه دادند.

برای روند نزولی می توانید همین تنظیمات را هم انجام دهید. نکته این است که باید به دنبال سطوح قیمتی که در گذشته مورد توجه بوده اند، باشید. اگر در مورد آن فکر کنید، شانس بیشتری وجود دارد که قیمت از سطوح بالا رود.

چرا؟

اولاً، همان طور که قبلاً در دسته ۱ بحث کردیم، سطوح حمایت و مقاومت قبلی مناطق خوبی برای خرید یا فروش می باشند چرا که دیگر معامله گران نیز مانند عقاب به این سطوح چشم دوخته اند.

دوماً، از آنجا که می دانیم بسیاری از معامله گران نیز از ابزار فیبوناچی استفاده می کنند، آن ها ممکن است به دنبال موقعیتی برای پرش در این سطوح فیبوناچی باشند.

در حالی که هیچ تضمینی وجود ندارد که قیمت از آن سطوح بالاتر خواهد رفت، حداقل می توانید در مورد تجارت خود مطمئن تر باشید. در نهایت، در این اعداد قدرتی وجود دارد!

به یاد داشته باشید که کلاً تجارت با احتمالات سر و کار دارد. اگر به آن دسته از معاملاتی که احتمال بالاتری دارند، تعلق دارید، پس در دراز مدت شانس بهتری خواهید داشت که پیشرو گردید.

ترکیب فیبوناچی با خطوط روند

ابزار مفید دیگری برای ترکیب با ابزار فیبوناچی، تجزیه و تحلیل خط روند می‌باشد. در نهایت، سطوح فیبوناچی وقتی بازار در یک روند حرکت می‌کند دارای بهترین کاربرد است، به طوری که بسیار قابل توجه می‌شود!

به یاد داشته باشید که هر زمان که یک جفت ارز در روندی نزولی یا صعودی باشد، معامله‌گران از سطوح فیبوناچی اصلاحی به عنوان راه کاری برای وارد شدن در روند استفاده می‌کنند. پس چرا به دنبال سطوحی که در آن سطوح فیبوناچی به طور مستقیم با خط روند هم‌راستا می‌شوند، نباشیم؟

در اینجا نمودار ۱ ساعته دلار استرالیا/ین ژاپن (AUD/JPY) می‌باشد. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، قیمت خط روند صعودی کوتاه مدتی در طول چند روز گذشته تجربه می‌کند.



پیش خودتان فکر می‌کنید، «آره، که این روند صعودی مطلوبی است. JPY / AUD را می‌خوام بخرم، حتی اگر فقط برای تجارتی کوتاه مدت باشد. فکر می‌کنم یک بار این جفت ارز را بخرم دوباره به خط روند می‌رسد.»

قبل از اینکه این کار را انجام دهید، چرا از تول باکس فورکس (جعبه ابزار مبادله خارجی) استفاده نمی‌کنید و آن ابزار فیوناچی را بیرون نمی‌اندازید؟ اجازه دهید ببینیم می‌توانیم قیمت ورودی دقیق‌تری دریافت کنیم.



در اینجا سطوح فیوناچی را با استفاده از نوسان پایین در ۸۲.۶۱ و نوسان بالا در ۸۳.۸۴ رسم کردیم.

توجه داشته باشید که چگونه سطوح ۰.۵۰۰٪ و ۰.۶۱۸٪ فیوناچی با خط روند صعودی تلاقی می‌کنند.

آیا این سطوح می‌توانند به عنوان سطوح حمایت بالقوه به کار روند؟ تنها یک راه برای فهمیدن آن وجود دارد!

نمودار ۱ ساعته دلار استرالیا/ین ژاپن (AUD/JPY)



حدس بزنید چطور؟ سطح فیبوناچی ۰.۸۶۱٪ نگاه داشته می‌شود، همان طور که قیمت در اینجا بالا می‌رفت، پیش از اینکه پایین رود. اگر سفارشات در این سطح قرار داده بودید، ورودی عالی‌ای می‌داشتید.

چند ساعت پس از رسیدن به خط روند، قیمت به سرعت به سمت بالا ترقی می‌کند و سقف بالای قبلی را می‌شکافد.

حالا خوشحالید که این را در تول باکس فورکس خود دارید؟

همان‌طور که می‌بینید، این ابزار دستمزد استفاده از ابزار فیبوناچی را می‌دهد، حتی اگر در حال برنامه ریزی برای ورود به خط روند بازآزمایی شده هستید. ترکیبی از هر دو سطوح مورب و افقی حمایت یا مقاومت می‌تواند این معنی را بدهد که دیگر معامله‌گران نیز این سطوح را می‌بینند.

توجه داشته باشید به مانند دیگر ابزارهای ترسیم، خطوط روند ترسیم می‌توانند به طرز تفکر شخص بگردند.

دقیقاً نمی‌دانید که دیگر معامله‌گران چگونه آن‌ها را رسم می‌کنند، اما می‌توانید بر روی یک چیز حساب باز کنی – و آن چیز این است که روند وجود دارد!

اگر می‌بینید که روندی در حال توسعه است، باید به دنبال راهی برای پیشروی و دادن شانس بهتری برای تجارت سودآور باشید. می‌توانید از ابزار فیبوناچی به منظور کمک برای پیدا کردن نقاط ورود بالقوه استفاده نمایید.

ترکیب فیبوناچی با الگوهای کندل استیک (شمعی ژاپنی)

اگر در کلاس توجه کافی کرده باشید، تا کنون می‌دانید که با ترکیب ابزار فیبوناچی با سطوح حمایت و مقاومت و خطوط روند می‌توانید استراتژی تجاری ساده اما فوق العاده‌ای ایجاد نمایید.

اما هنوز کار ما تمام نشده است! در این درس، قصد داریم به شما بیاموزیم که چگونه ابزار فیبوناچی را با دانش خود از الگوهای شمعی ژاپنی که در کلاس ۲ یاد گرفتید، ترکیب نمایید.

در ترکیب ابزار فیبوناچی با الگوهای شمعی، در واقع به دنبال کندل‌های کامل (جامع) هستیم. اگر می‌توانید بگویید فشار خرید یا فروش کی تحلیل می‌رود، می‌تواند به شما سرنخ از زمانی بدهد که قیمت ممکن است به روند ادامه دهد.

ما در اینجا دوست داریم به اختصار به آن‌ها «شمعدانی‌های فیبوناچی» یا «پایه‌های فیبو» بگوییم. خیلی جذابه؟ بیایید برای واضح‌تر کردن این موضوع نگاهی به این مثال بیاندازیم.

در زیر نمودار ۱ ساعته ای از جفت ارز یورو/ دلار آمریکا است.



به نظر می‌رسد این جفت ارز در هفته گذشته روند نزولی داشته است، اما این حرکت به نظر کمی متوقف شده است. آیا شانس برای داخل شدن در این روند نزولی وجود دارد؟ می‌دانید این امر به چه معنی است. زمان استفاده از ابزار فیبوناچی و شروع به کار فرا رسیده است.

همان‌طور که می‌توانید از نمودار مشاهده کنید، نوسان بالای خود را در ۱.۳۳۶۴ در تاریخ ۳ مارس، و نوسان پایین خود را در ۱.۲۵۲۳ در تاریخ ۶ مارس تعیین کرده‌ایم.

از آنجا که جمعه است، تصمیم گرفتید که استراحت کنید، زودتر به تعطیلات بروید، و تصمیم می‌گیرید زمانی که نمودارها را بعد از تعطیلی آخر هفته دیدید، داخل شوید.

نمودار ۱ ساعته یورو در مقابل دلار آمریکا



صبر کنید! زمانی که نمودار هایتان را بی مقدمه باز می کنید، می بینید که EUR / USD خیلی بالاتر از قیمت پایانی روز جمعه خود رفته است.

در حالی که سطح فیبوناچی ۵۰.۰٪ کمی آنرا نگه داشت، در نهایت خریداران جفت ارز را بالاتر خریدند. شما هستید که تصمیم می گیرید منتظر بمانید و ببینید که آیا سطح فیبوناچی ۶۱.۸٪ آنرا نگه می دارد یا خیر. در نهایت، آخرین شمع خیلی رو به ترقی بود! چه کسی می داند، ممکن است قیمت به روند رو به رشد خود ادامه دهد!

نمودار ۱ ساعته یورو در مقابل دلار آمریکا



خوب، به آن نگاه می‌کنید؟ دوجی پایه بلند درست در سطح فیبو ۱.۸٪ تشکیل شده است. اگر به دروس کلاس ۲ توجه کرده باشید، متوجه می‌شوید که آن شمع کاملی است. آیا فشار خرید تحلیل رفته است؟ آیا مقاومت در سطح فیبو نگهدارنده است؟ این امر امکان دارد. سایر معامله‌گران نیز احتمالاً چشم به این سطح دوخته‌اند.

آیا زمان فروش است؟ هرگز نمی‌توانید مطمئن شوید (به همین دلیل است که مدیریت ریسک بسیار مهم است)، اما احتمال برگشت بسیار خوب به نظر می‌رسد!

نمودار ۱ ساعته یورو در مقابل دلار آمریکا



اگر شما درست بعد از تشکیل دوجی دست به فروش زده بودید، می‌توانستید به سود خوبی برسید. درست بعد از دوجی، قیمت کمی قبل از سقوط اوج گرفت. نگاهی به تمام شمع‌های قرمز بکنید! به نظر می‌رسد خریداران واقعاً خسته بودند، که به فروشندگان اجازه داد به عقب نشینی کنند و آنرا تحت کنترل بگیرند. در نهایت، قیمت مجدداً به نوسان پایین برگشت. این حرکت حدود ۵۰۰ پایپ بود! می‌توانست تجارت سال شما باشد!

جستجو به دنبال «پایه‌های فیبوناچی» می‌تواند واقعاً مفید باشد، چرا که آن‌ها می‌توانند سیگنال دهند که آیا یک سطح فیبو نگاه خواهد داشت یا خیر.

اگر به نظر می‌رسد که قیمت روی سطح فیبو می‌ماند، شانس‌ها آن‌هایی هستند که شاید دیگر معامله‌گران برخی سفارشاتشان را در این سطوح انجام دهند. این امر با تثبیت بیشتری عمل می‌کند تا واقعاً مقاومت یا حمایتی در آن قیمت وجود داشته باشد.

چیز واقعاً خوب دیگر در مورد «پایه‌های فیبوناچی» این است که لازم نیست سفارشات محدودی در سطوح فیبو انجام دهید. ممکن است نگران باشید که زمانیکه به «محدوده» نگاه می‌کنیم ونه لزوماً به سطوحی خاص، آیا حمایت یا مقاومت آنرا نگاه خواهد داشت.

این جایی است که می‌توانید از دانش خود در مورد اشکال شمعی استفاده نمایید.

شما می‌توانید برای یک پایه فیبوناچی که درست در زیر یا بالای سطح فیبو شکل بگیرد، صبر نمایید تا تأییدیه بیشتر در مورد اینکه آیا باید دستور سفارش را انجام دهید یا خیر، صادر شود.

اگر پایه‌های فیبوناچی شکل گرفت، فقط می‌توانید وارد معامله در قیمت بازار شوید چرا که حال دارای تأییدیه‌های بیشتری هستید که سطح می‌تواند قیمت را نگه دارد.

گسترده‌گی فیبوناچی (Extension)

کاربرد بعدی فیبوناچی استفاده از آن‌ها برای پیدا کردن اهداف است.

بیا بید با مثالی در روند صعودی آغاز کنیم.

در روندی صعودی، ایده کلی کسب سود در تجارتهی مدید در سطح گسترش قیمت فیبوناچی است. سطوح گسترش فیبوناچی را با استفاده از سه کلیک ماوس مشخص می‌کنید.

اول، روی نوسان پایین قابل توجه کلیک کنید، و سپس مکان نمای خود را بکشید و روی نوسان بالای اخیر کلیک کنید. در نهایت، مکان نمای خود را رها کنید و روی هر یک از سطوح اصلاحی کلیک کنید.

این امر هر یک از سطوح قیمت گسترش را با نمایش نسبت و سطح قیمت مربوطه نمایش می‌دهد. بسیار شسته و رفته بود، نه؟

بیا بید دوباره به مثال همراه با نمودار USD / CHF (دلار آمریکا/ فرانک سوئیس) که به شما در درس قبلی نشان دادیم، بر گردیم.



سطح فیبو ۵۰٪ پس از سه آزمون به عنوان حمایت به شدت نگاه داشته می شود، این جفت ارز در نهایت روند صعودی خود را از سر می گیرد.

در نمودار فوق، حتی می توانید افزایش قیمت بالاتر از نوسان بالای قبلی را مشاهده کنید.

اجازه دهید روی ابزار فیبوناچی تمرکز کنیم و ببینیم کجا جای خوبی برای کسب سود است.



در اینجا خلاصه‌ای از آنچه پس از وقوع نوسانات اصلاحی پایین رخ داد ارائه می‌شود:

- قیمت کل مسیر به سطح ۶۱.۸ درصد بالا می‌رود، تا با نوسان بالای قبلی هم‌راستا گردد.
 - تا سطح ۳۸.۲٪، که در آن حمایت را می‌یابد، بر می‌گردد.
 - سپس قیمت به سطح مقاومتی ۱۰۰٪ را می‌یابد و بر می‌گردد.
 - چند روز بعد، قیمت قبل از یافتن سطح مقاومتی دوباره به ۱۶۱.۸٪ بر می‌گردد.
- همان‌طور که این مثال را مشاهده می‌کنید، تمام سطوح ۶۱.۸٪، ۱۰۰٪ و ۱۶۱.۸٪ مکان‌های خوبی برای کسب سود می‌باشند.

حال، اجازه دهید نگاهی به مثال استفاده از سطوح فیبوناچی گسترش در روند نزولی بیندازیم.

در روند نزولی، ایده کلی این است که در معامله کوتاه مدت در سطح گسترش قیمت فیبوناچی کسب سود کنیم، چرا که اغلب بازار در این سطوح حمایت پیدا می‌کند.

اجازه دهید نگاه دیگری به روند نزولی نمودار ۱ ساعته EUR / USD که در درس پایه‌ی فیو نشان دادیم، بیانداریم.



در اینجا، کندل دوجی شکلی درست زیر سطح ۶۱.۸٪ فیبو دیدم. سپس قیمت معکوس شد (برگشت) طوری که فروشندگان به خط روند برگشتند و قیمت را به سمت نوسان پایین برگرداندند.

اجازه دهید ابزار فیبو گسترش را برای دیدن مکان‌های خوبی که می‌توان از فروش خود در سطح اصلاحی ۶۱.۸٪ سود برد، برگزینیم.



آنچه که پس از برگشت قیمت از سطح فیبوناچی اصلاحی اتفاق افتاده را شرح می‌دهیم:

- قیمت در سطح ۳۸.۲٪ حمایت پیدا کرد.
 - سطح ۵۰.۰٪ به عنوان حمایت اولیه برقرار شد، سپس به ناحیه سود تبدیل شد.
 - سطح ۶۱.۸٪ نیز به ناحیه سود تبدیل شد، قبل از اینکه قیمت برای محک نوسان پایین قبلی نزول کند.
 - اگر به اتفاقات آتی نگاه کنید، در می‌یابید که سطح گسترش ۱۰۰٪ به عنوان حمایت عمل می‌کرد.
- می‌توانستیم در سطوح ۳۸.۲٪، ۵۰.۰٪، ۶۱.۸ درصد سود ببریم. همه این سطوح به عنوان حمایت عمل می‌کردند، احتمالاً به این دلیل که دیگر معامله‌گران نیز برای کسب سود به این سطوح چشم دوخته بودند.

مثال‌ها نشان می‌دهند که قیمت حداقل کمی حمایت یا مقاومت موقتی در سطوح فیبوناچی گسترش پیدا می‌کند (نه همیشه)، اما اغلب برای تنظیم درست موقعیت کسب سود و مدیریت ریسک به اندازه کافی است.

البته، مشکلاتی در پرداختن به آن وجود دارند.

اول، هیچ راهی برای دانستن اینکه کدام سطح گسترش فیبوناچی مقاومت فراهم خواهد کرد، وجود ندارد. هر یک از این سطوح ممکن است به عنوان حمایت یا مقاومت عمل کنند یا ممکن است عمل نکنند.

مشکل دیگر تعیین این مطلب است که از کدام نوسان پایین برای ایجاد سطوح گسترش فیبوناچی آغاز کنیم.

یک راه، شروع از آخرین نوسان پایین است، همان‌طور که ما در این مثال‌ها دیدیم؛ راه دیگر شروع از کم‌ترین نوسان پایین در ۳۰ شمع آخر می‌باشد. دوباره این نکته را می‌گوییم که هیچ راه درستی برای انجام آن وجود ندارد، اما با ممارست زیاد، بهتر می‌توانید نقاط نوسان را تشخیص دهید.

شما مجبور به استفاده از صلاح‌دید خود در استفاده از ابزار گسترش فیبوناچی خواهید بود. باید تشخیص دهید چه مدت دیگر روند ادامه دارد. بعد، روش‌هایی برای کمک به شما در تعیین قدرت یک روند آموزش خواهیم داد.

اکنون، بیایید به جایگذاری حد ضرر پردازیم

اگر شما در سطح ۵۰.۰٪ فروش کرده بودید، می‌توانستید حد ضرر خود را ماقبل سطح فیبو ۶۱.۸٪ قرار دهید.

استدلال پشت این روش تنظیم توقف این است که شما معتقدید که سطح ۵۰.۰٪ به عنوان نقطه مقاومت، قیمت را نگه می‌دارد. بنابراین، اگر قیمت برخلاف تصور ما از این نقطه بالاتر رفت، نظر شما در تجارت باطل می‌شود.

مشکل با این روش تنظیم حد ضرر این است که کاملاً وابسته به این است که ورودی کاملی داشته باشید.

تنظیم حد ضرر ماقبل سطح فیبوناچی اصلاحی بعدی، فرض می‌کند که واقعاً اطمینان دارید که ناحیه حمایت یا مقاومت قیمت را باز می‌دارد. و همان‌طور که زودتر اشاره کردیم، استفاده از ابزار ترسم، (علم) دقیق نیست.

بازار ممکن است به سرعت بالا رود، و به حد ضرر شما برسد، و در نهایت به مسیر شما برگردد. در این زمان به گوشه‌ای خواهید رفت و سر خود را به دیوار می‌کوبید.

فقط به شما هشدار می‌دهیم که این امر ممکن است گاهی چندین بار در یک ردیف رخ دهد، بنابراین مطمئن شوید که حد ضرر خود را سریعاً ایجاد کردید و اجازه دهید موقعیت‌های برنده شما در امتداد این روند حرکت کنند. این بهترین حالت ممکن استفاده از این نوع روش حد ضرر برای کوتاه مدت (معاملات روزانه) است.

حال، اگر می‌خواهید که کمی امن‌تر باشید، راه دیگر برای تنظیم حد ضرر، جایگذاری آن در ماقبل نوسان بالا یا پایین اخیر می‌باشد.

این نوع از جایگذاری حد ضرر فضای بیشتری برای نفس کشیدن به تجارت شما می‌دهد و به شما شانس بهتری خواهد داد تا بازار در جهت منفعت شما گام بردارد.



اگر قیمت بازار از سویینگ بالا یا پایین بالاتر رفت، ممکن است اشاره به آن باشد که تغییر روند قبلاً در این محل رخ داده است. این بدین معناست که ایده یا تنظیمات تجارت شما قبلاً باطل شده‌اند و برای ورود به خط سیر خیلی دیر شده است.

تنظیم حد ضررهای بزرگ‌تر احتمالاً بهترین حالت برای معاملات دراز مدت، معاملات نوع نوسانی باشد، و همچنین می‌توانید این کار را با روش «مقیاس گذاری» که بعداً توضیح داده خواهد شد، ترکیب نمایید. همچنین باید به یاد داشته باشید که با حد ضرر بزرگ‌تر، اندازه موقعیت خود را باید متناسب و به این اساس تنظیم کنید.

اگر تمایل به معامله با همان اندازه موقعیت دارید، ممکن است زیان زیادی متحمل شوید، به خصوص اگر در یکی از سطوح فیبو قبلی وارد شوید.

این نیز می‌تواند منجر به نسبت‌های سود به ضرر نامطلوبی شود، همان طور که ممکن است حد ضرر گسترده‌ای داشته باشید که با سود شما متناسب نباشد.

بنابراین کدام راه بهتر است؟

حقیقت این است که درست مانند ترکیب ابزار اصلاحی فیبوناچی با حمایت و مقاومت، خطوط روند، و الگوهای شمعی برای پیدا کردن ورود بهتر، این امر می تواند بهترین استفاده از دانش شما از این ابزارها برای تجزیه و تحلیل محیط فعلی به منظور کمک به شما برای برگزیدن نقطه خوب حد ضرر باشد.

تا آنجا که ممکن است، نباید فقط منحصرأ به نقاط حمایت و مقاومت فیبو به عنوان پایه ای برای تعیین حد ضرر تکیه نمایید.

به یاد داشته باشید، جایگذاری حد ضرر چیز مطمئنی نیست، اما اگر بتوانید احتمالات را با ترکیب چندین ابزار بیشتر کنید، می تواند به شما در تعیین نقطه خروج بهتر، فضای معاملاتی بیشتر برای نفس کشیدن، و احتمالاً نسبت سود به زیان بهتر کمک کند.

خلاصه: فیبوناچی

سطوح اصلاحی فیبوناچی کلیدی که چشم ها باید همواره به آن خیره باشند، این مواردند: 23.6% ، 38.2% ، 50.0% ، 61.8% و 76.4% . آنهایی که به نظر می رسند سنگین ترین را در بر دارند، سطوح 38.2% ، 50.0% و 61.8% هستند. به طور معمول این ها سطوح در تنظیمات پیش فرض هر نرم افزار فیبوناچی گنجانده می شوند.

اگر نرم افزار تجاری شما دارای ابزار فیبو نباشد (جای نگرانی نیست) ماشین حساب فیبوناچی داریم که تمام کارها را برای شما انجام می دهد. معامله گران از سطوح اصلاحی فیبوناچی به عنوان حمایت و مقاومت بالقوه استفاده می کنند. از آنجایی که بسیاری از معامله گران این سطوح مشابه را تماشا می کنند و سفارش های خرید و فروش خود را روی آن ها برای وارد کردن تجارت یا جایگذاری حد ضرر انجام می دهند، سطوح حمایت و مقاومت ممکن است به پیشگویی کامبخشی تبدیل شوند.

سطوح گسترش فیبوناچی کلیدی 38.2% ، 50.0% ، 61.8% ، 100% درصد، 138.2% درصد و 161.8% درصد هستند.

معامله گران از سطوح گسترش فیبوناچی به عنوان مناطق بالقوه حمایت و مقاومت برای تعیین اهداف سود استفاده می کنند. مجدداً، از آنجا که بسیاری از معامله گران در حال تماشای این سطوح هستند و سفارشات خرید و فروش را برای کسب سود روی آن ها قرار می دهند، این ابزار تمایل به برآورده کردن انتظارات کامبخش دارند.

به منظور اعمال سطوح فیبوناچی روی نمودار شما، نیاز به شناسایی نقاط نوسان پایین و بالا دارید.

نوسان بالا (swing high) شمعدانی با حداقل دو سقف شمع چپ و راست پایین تر در طرفینش است.

سوینگ پایین (swing low) شمعدانی با حداقل دو سقف شمع چپ و راست بالا تر در طرفینش است.

از آنجا که بسیاری از معامله گران از ابزار فیبوناچی استفاده می کنند، این سطوح تمایل به تبدیل به سطوح حمایتی و مقاومتی کامبخش (قابل اطمینان) یا نواحی مورد علاقه می شوند.

هنگام استفاده از ابزار فیبوناچی، احتمال موفقیت می تواند در زمان استفاده از ابزار فیبوناچی با دیگر سطوح حمایت و مقاومت، خطوط روند، و الگوهای شمعی برای تشخیص لحظه ورود و حد ضرر افزایش یابد.

میانگین های متحرک ملایم

میانگین های متحرک به سادگی راهی حل کردن نوسانات قیمت در طول زمان است. منظور ما از « میانگین های متحرک » این است که شما در حال اتخاذ قیمت میانگین نهایی از یک جفت ارز برای آخرین x تعداد دوره ها هستید. در نمودار، چنین به نظر می رسد:



مانند هر شاخصی، از شاخص میانگین متحرک برای کمک به پیش بینی قیمت‌های آینده استفاده می‌شود. با نگاه به شیب میانگین متحرک، بهتر می‌توانید جهت بالقوه قیمت بازار را تعیین کنید. همان‌طور که گفتیم، میانگین متحرک نوسان قیمت را حل می‌کند. انواع مختلفی از میانگین متحرک وجود دارند و هر کدام از آن‌ها دارای سطح همواری (صافی) خودشان هستند.

به طور کلی، هر چه میانگین متحرک هموارتر باشد، در واکنش به حرکت قیمت آهسته‌تر است.

هر چه میانگین متحرک متلاطم‌تر باشد، در واکنش به حرکت قیمت سریع‌تر است. برای ایجاد میانگین متحرک هموارتر، باید میانگین قیمت‌های نهایی را در طول مدت زمان طولانی‌تری دریافت کنید.

حال، احتمالاً در حال فکر به این موضوع هستید که «عجله کنید، اجازه دهید به موارد خوب برسیم، چگونه می‌توانم از آن در تجارت استفاده کنم؟»

در این بخش، ابتدا باید به شما دو نوع عمده از میانگین‌های متحرک را توضیح دهیم:

۱. ساده

۲. نمایی

همچنین به شما می‌آموزیم که چگونه آن‌ها را محاسبه و جوانب مثبت و منفی هر یک از آن‌ها را ارائه کنید. درست مانند هر درس دیگری، باید ابتدا اصول اولیه را بدانید.

میانگین‌های متحرک ساده

میانگین‌های متحرک ساده، ساده‌ترین نوع میانگین متحرک است (فارغ از شوخی!). اساساً، میانگین متحرک ساده، با اضافه کردن آخرین «X» قیمت‌های دوره نهایی و سپس تقسیم آن عدد بر X محاسبه می‌شود.

گیج شدید؟

نگران نباشید.

اگر میانگین متحرک ساده ۵ دوره‌ای را روی نمودار ۱ ساعته رسم کرده باشید، قیمت‌های نهایی برای ۵ ساعت گذشته را اضافه می‌کنید، و سپس آن عدد را بر ۵ تقسیم می‌کنید. می‌بینید! متوسط قیمت نهایی در طول پنج ساعت گذشته را دارید. آن قیمت‌های میانگین را به هم متصل کنید تا میانگین متحرک را به دست آورید!

اگر می‌بایست میانگین متحرک ساده ۵۰ دوره‌ای را در نمودار ۱۰ دقیقه‌ای رسم می‌کردید، قیمت‌های نهایی ۵۰ دقیقه آخر را جمع می‌زدید و سپس آن عدد را تقسیم بر ۵۰ می‌کردید.

اگر می‌بایست میانگین متحرک ساده ۱۵۰ دوره‌ای را در نمودار ۳۰ دقیقه‌ای رسم می‌کردید، قیمت‌های نهایی ۱۵۰ دقیقه آخر را جمع می‌زدید و سپس آن عدد را تقسیم بر ۱۵۰ می‌کردید.

اکثر بسته‌های نموداری تمام محاسبات را برای شما انجام خواهند داد. دلیل این که شما را با «چگونه» محاسبه کردن میانگین‌های متحرک ساده خسته کردیم، این است که درک این مطلب به طوری که بدانید که چگونه آن را ویرایش کنید و شاخص را بالا ببرید، مهم است.

درک این که چگونه شاخص کار می‌کند بدین معنی است که می‌توانید استراتژی‌های مختلف تغییرات محیط بازار را تنظیم و ایجاد کنید.

حال مانند تقریباً هر شاخص دیگری، میانگین‌های متحرک با تاخیر عمل می‌کنند. از آنجا که میانگین تاریخی قیمت‌های گذشته را اتخاذ

می‌کنید، تنها مسیر کلی اخیر و جهت کلی نوسان قیمت کوتاه مدت «آینده» را مشاهده می‌کنید.

در اینجا مثالی از اینکه چگونه میانگین‌های متحرک ارائه می‌کنیم.



در نمودار فوق، سه میانگین متحرک ساده‌ی (SMA) مختلف در نمودار ۱ ساعته CHF / USD رسم کرده‌ایم همان‌طور که می‌بینید، هر چه دوره SMA طولانی‌تر باشد، بیشتر از قیمت عقب می‌افتد.

توجه کنید که چگونه میانگین متحرک ساده ۶۲ از قیمت فعلی دورتر است

دلیل آن این است که میانگین متحرک ساده ۶۲ به قیمت نهایی ۶۲ دوره گذشته اضافه می‌شود و بر ۶۲ تقسیم می‌شود. هر چه دوره طولانی‌تر برای میانگین متحرک ساده استفاده کنید، در واکنش به حرکت قیمت آهسته‌تر عمل می‌کند.

میانگین‌های متحرک ساده در این نمودار تمایل کلی بازار در این نقطه در زمان را به شما نشان می‌دهند. در اینجا، می‌توانید ببینید که این جفت ارز روندی است.

فقط به جای دنبال قیمت فعلی بازار گشتن، میانگین‌های متحرک به ما تصویر جامع‌تری می‌دهد، و حال می‌توانیم امتداد کلی قیمت آینده‌اش را بسنجیم. با استفاده از میانگین‌های متحرک ساده، می‌توانیم بگوییم که آیا این جفت ارز روند رو به بالا، پایین، یا فقط در محدوده خود را داراست.

مشکلی در میانگین متحرک ساده وجود دارد و آن مشکل این است که آن‌ها در معرض جهش هستند. هنگامی که این اتفاق می‌افتد، می‌تواند به ما سیگنال‌های نادرستی دهد. ممکن است فکر کنیم که روند جدیدی در حال ایجاد شدن است، اما در واقع، هیچ چیز تغییر نکرده است. در درس بعدی، به شما نشان خواهیم داد که منظور ما چیست، و همچنین شما را با نوع دیگری از میانگین‌های متحرک برای جلوگیری از این مشکل آشنا می‌کنیم.

میانگین متحرک نمایی

همان‌طور که در درس قبلی گفتیم، میانگین‌های متحرک ساده می‌توانند با جهش تحریف شوند. با مثالی آغاز می‌کنیم.

بیا بگوئیم میانگین متحرک ساده ۵ دوره‌ای را بر نمودار روزانه‌ی EUR/USD رسم می‌کنیم.



قیمت‌های نهایی برای ۵ روز آخر بدین ترتیب هستند:

روز ۱: 1.3172

روز ۲: 1.3231

روز ۳: 1.3164

روز ۴: 1.3186

روز ۵: 1.3293

میانگین متحرک ساده بدین ترتیب محاسبه می‌شود:

$$(1.3172 + 1.3231 + 1.3164 + 1.3186 + 1.3293) / 5 = 1.3209$$

به اندازه کافی ساده است، صحیح؟

در صورتی که یک گزارش خبری تاثیر گذار در روز ۲ داشته باشیم که باعث شود که یورو کلاً کاهش یابد، در این صورت EUR / USD

شیب تندی پیدا می‌کند و در 1.3000 خاتمه می‌یابد. بیایید ببینیم چه اثری می‌تواند بر میانگین متحرک ساده دوره ۵ داشته باشد.

روز ۱: 1.3172

روز ۲: 1.3000

روز ۳: 1.3164

روز ۴: 1.3186

روز ۵: 1.3293

میانگین متحرک ساده بدین ترتیب محاسبه می‌شود

$$(1.3172 + 1.3000 + 1.3164 + 1.3186 + 1.3293) / 5 = 1.3163$$

نتیجه میانگین متحرک ساده بسیار پایین‌تر از می‌باشد و این مطلب به شما این مفهوم را می‌دهد که قیمت در حقیقت در حال پایین رفتن بود، هنگامی که در واقعیت، روز ۲ فقط واقعه‌ای بود که ناشی از نتایج ضعیف گزارش اقتصادی بود.

نکته‌ای که در حال تلاش برای ابراز آن هستیم این است که گاهی اوقات میانگین متحرک ساده ممکن است خیلی ساده باشد. امیدوارم راهی بود که می‌توانستید این جهش‌ها را طوری فیلتر کنید که اشتباه بر داشت نکنید... صبر کنید... بله، راهی وجود دارد!

میانگین متحرک نمایی نامیده می‌شود!

میانگین متحرک نمایی (EMA) وزن بیشتری به دوره‌های تازه‌تر می‌دهد. در مثال بالا، میانگین متحرک نمایی وزن بیشتر به قیمت‌های روزهای تازه‌تر می‌دهد، که روز ۳، ۴، و ۵ می‌باشد.

این بدین معنی است که جهش در روز ۲ ارزش کمتری دارد و اثر زیادی بر میانگین متحرک به نسبت زمانی که میانگین متحرک ساده را محاسبه کرده بودیم، ندارد.

اگر در مورد آن فکر کنید، منطقی به نظر می‌رسد چرا که آن چه انجام می‌دهد این است که تاکید بیشتری بر آنچه که معامله‌گر اخیراً انجام می‌دهند، می‌گذارد.

نگاهی به نمودار ۴ ساعته ی USD/JPY برای برجسته کردن این امر بیاندازیم که چگونه میانگین متحرک ساده و میانگین متحرک نمایی در کنار یکدیگر روی نمودار به نظر می‌رسند.



دقت کنید که چگونه خط قرمز (۳۰ میانگین متحرک نمایی) به نظر به قیمت نزدیک تر از خط آبی (۳۰ میانگین متحرک ساده) می‌رسد. این به این معنی است که با دقت بیشتری نشان دهنده قیمت‌های اخیر است. احتمالاً می‌توانید حدس بزنید که چرا این اتفاق می‌افتد. به این دلیل که میانگین متحرک نمایی تاکید بیشتری در مورد آنچه که به تازگی رخ داده است دارد. در زمان معامله، به مراتب دیدن آنچه که معامله‌گران حال انجام می‌دهند تا آنچه که آن‌ها در هفته گذشته یا ماه گذشته انجام می‌دادند، مهم‌تر است.

میانگین متحرک ساده در مقایسه با متحرک نمایی

در حال حاضر، احتمالاً از خودتان می‌پرسید که کدام بهتر است؟ میانگین متحرک ساده یا نمایی؟

اول، اجازه دهید با میانگین متحرک نمایی شروع کنیم. هنگامی که میانگین متحرکی می‌خواهید که به نوسان قیمت پاسخ سریع‌تری دهد، پس دوره کوتاه میانگین متحرک نمایی بهترین راه برای رفتن است.

این میانگین‌ها می‌توانند به شما کمک کنند تا خیلی زود روند را دریافت کنید (مطلب بیشتر در آینده مطرح می‌شود)، که منجر به سود بالاتر می‌شود. در واقع، هر چه زودتر روند را دریافت کنید، مدت زمان طولانی‌تری می‌توانید بر آن مسلط باشید و آن سودها را به چنگ آورید (به به).

نکته منفی استفاده از میانگین متحرک نمایی این است که ممکن است در طول دوره‌های تثبیت، فریب بخورید

از آنجا که میانگین متحرک به سرعت به قیمت واکنش نشان می‌دهد، ممکن است فکر کنید که روند در حال تشکیل شدن است، در حالی که می‌تواند تنها افزایش قیمت باشد. این امر می‌تواند مربوط به سریع بودن شاخص برای منفعت شما باشد.

با میانگین متحرک ساده، عکس این قضیه صادق است. هنگامی که میانگین متحرکی می‌خواهید که در واکنش نشان دادن به نوسان قیمت هموارتر و آهسته‌تر باشد، پس دوره طولانی‌تر میانگین متحرک ساده بهترین راه برای رفتن است.

این انتخاب می‌تواند به خوبی کار کند زمانی که به دنبال دوره‌های زمانی طولانی‌تری می‌گردید، حتی می‌تواند به شما ایده‌ای از روند کلی ارائه کند.

هر چند در پاسخ به نوسانات قیمت کند است، ولی احتمالاً می‌تواند شما را از بسیاری از فریب خوردن‌ها نجات دهد. نکته منفی این است که ممکن است بیش از حد شما را به تاخیر بیندازد، و ممکن است فرصت قیمت ورودی خوب یا تجارت را کاملاً از دست بدهید.

قیاس ساده‌ای برای به خاطر سپردن تفاوت بین این دو این است که به خرگوش و لاک پشت فکر کنید.



SMA



EMA

لاک پشت آهسته است، مانند میانگین متحرک ساده، بنابراین فرصت زود وارد شدن به روند را از دست می‌دهید. با این حال، پوسته سخت برای محافظت از خود دارد، و به همین ترتیب، با استفاده از میانگین‌های متحرک ساده به شما کمک خواهد کرد از درگیر شدن در فریب خوردگی‌ها جلوگیری کنید.

از سوی دیگر، خرگوش سریع است، مانند میانگین متحرک نمایی. این امر به شما در گرفتن آغاز روند کمک می‌کند اما در خطر منحرف شدن توسط فریب خوردگی‌ها هستید

در زیر جدولی است که به شما کمک کند جوانب مثبت و منفی هر یک را به یاد داشته باشید.

EMA	SMA	
تحریک سریع و در نشان دادن نوسانات قیمت اخیر خوب است	نمودار همواری را نشان می‌دهد که اکثر فریب خوردگی‌ها را حذف می‌کند	نکات مثبت
تمایل بیشتری برای ایجاد فریب خوردگی و سیگنال‌های انحرافی دارد	تحرك آهسته، که مکن است باعث عقب افتادگی در خرید و فروش سیگنال‌ها شود	نکات منفی

خوب کدام یک بهتر است؟

واقعاً به خود شما بستگی دارد که تصمیم بگیرید.

بسیاری از معامله‌گران چندین میانگین متحرک مختلف ترسیم می‌کنند تا به آن‌ها هر دو طرف داستان را ارائه کند. آن‌ها ممکن است از میانگین متحرک ساده دوره‌ی طولانی‌تری برای پیدا کردن آنچه روند کلی است استفاده کنند، و سپس از میانگین متحرک نمایی دوره کوتاه‌تر برای پیدا کردن زمان مناسب برای ورود به معامله استفاده می‌کنند.

تعدادی استراتژی‌های معاملاتی وجود دارند که در اطراف استفاده از میانگین متحرک ساخته می‌شوند. در درس‌های زیر، به شما می‌آموزیم:

۱. چگونه از میانگین متحرک برای تعیین روند استفاده کنید

۲. چگونه نقاط تقاطع میانگین‌های متحرک را با سیستم تجاری خود ترکیب کنید

۳. چگونه میانگین‌های متحرک می‌توانند به عنوان حمایت و مقاومت پویا استفاده شوند

زمان زنگ تفریح است! نموداری پیدا کنید و شروع به بازی با برخی میانگین متحرک کنید! انواع مختلفی را امتحان کنید و سعی کنید با دوره‌های مختلف آزمایش کنید. در زمان مناسب، در خواهید یافت که کدام میانگین متحرک بهترین کاربر را برای شما دارد.

استفاده از میانگین‌های متحرک

یک راه مطبوع برای استفاده از میانگین‌های متحرک، کمک به شما برای تعیین روند است.

ساده‌ترین راه این است که یک میانگین متحرک را روی نمودار رسم کنید. زمانی که نوسان قیمت تمایل به ماندن در بالای میانگین را دارد،

این سیگنال را می‌دهد که قیمت در روند صعودی کلی است.

اگر نوسان قیمت تمایل به ماندن در زیر میانگین را دارد، سپس نشان می‌دهد که در روند نزولی خود است.



مشکل این روش این است که خیلی ساده است.

بیاید بگوییم که USD/JPY در روند نزولی بوده است، ولی گزارش خبری بروز می کند و موجب نوسان بالایی می شود.



«مشاهده می کنید که حال قیمت بالای میانگین متحرک است. پیش خودتان فکر می کنید:

به نظر می رسد این جفت ارز برای تغییر جهت است. وقت خرید آن است!»

پس آن کار را می کنید. یک بیلیون (میلیارد) از آن واحد می خرید چرا که مطمئنید USD/JPY بالا می رود.



بله، شما فریب خوردید! چنان که به نظر می‌رسد معامله گران به اخبار واکنش نشان دادند ولی روند ادامه می‌یابد و قیمت به سیر نزولی خود ادامه می‌دهد.

آن چه که برخی معامله گران انجام می‌دهند (و آنچه ما پیشنهاد می‌کنیم شما نیز انجام دهید) این است که چندین میانگین متحرک در نمودار خود به جای فقط یک میانگین رسم می‌کنند. این کار به آن‌ها سیگنال واضح‌تر از این مطلب می‌دهد که آیا این جفت ارز روند رو به بالا یا رو به پایین بسته به سفارش میانگین‌های متحرک دارد. اجازه دهید توضیح دهیم.

در روند روبه بالا، میانگین متحرک «سریع‌تر» باید بالاتر از میانگین متحرک «آهسته‌تر» باشد و برای روند نزولی، بالعکس. مثلاً، اجازه دهید بگوییم دو میانگین متحرک داریم: میانگین متحرک ۱۰ دوره‌ای و میانگین متحرک ۲۰ دوره‌ای. در نمودار چنین به نظر می‌رسد:



در بالا نمودار روزانه USD / JPY است. در طول روند صعودی، ۱۰ SMA بالای ۲۰ SMA است. همان‌طور که می‌بینید، می‌توانید از میانگین‌های متحرک برای کمک به نشان دادن اینکه آیا جفت ارز روند صعودی یا نزولی دارند، استفاده کنید. ترکیب این نمودار با دانش خود در مورد خطوط روند، می‌تواند به شما کمک کند که تصمیم بگیرید که آیا پیش روید یا ارز را بفروشید. همچنین می‌توانید با قرار دادن بیش از دو میانگین متحرک در نمودار خود را امتحان کنید. فقط تا زمانی که خطوط به ترتیب هستند (سریع‌ترین به کندترین در یک روند صعودی، کندترین به سریع‌ترین در یک روند نزولی)، سپس می‌توانید بگویید که آیا این جفت ارز در روندی صعودی یا در روندی نزولی است.

انجام معامله با استفاده از تقاطع میانگین های متحرک

در حال حاضر، می‌دانید که چگونه روند را با رسم در برخی میانگین‌های متحرک در نمودار خودتان تعیین کنید. همچنین باید بدانید که میانگین‌های متحرک می‌تواند به شما در تعیین اینکه چه زمانی روند رو به پایان و معکوس است، کمک کند.

همه آنچه باید انجام دهید این است در چند میانگین متحرک در نمودار خودتان بپسید، و منتظر تلاقی بمانید. اگر میانگین‌های متحرک از روی یک دیگر عبور کنند، می‌تواند به این معنی باشد که به زودی روند در حال تغییر است، در نتیجه این شانس را به شما می‌دهد که ورودی بهتری بگیرید. با داشتن ورودی بهتر، این شانس را دارید که پিপ‌ها در کیسه قرار دهید!

بیا به نگاه دیگری به نمودار روزانه‌ی USD/JPY برای کمک به توضیح تجارت متقاطع میانگین متحرک بپردازیم.



از حوالی ماه آوریل تا ژوئیه، این جفت ارز در روند صعودی خوبی بود. در حوالی 124.00 ماکسیمم درخواست آن بود، قبل از به آرامی سیر نزولی پیش گیرد. در اواسط ماه ژوئیه، می بینیم که SMA 10 از زیر SMA 20 عبور کرد.

و بعد چه اتفاقی افتاد؟

روند نزولی خوب!

اگر در تقاطع میانگین متحرک، فروش کرده بودید، برای خود هزارها پیپ ساخته بودید.

البته، هر معامله‌ای برنده هزار پیپ نخواهد بود، برنده صد پیپ، یا حتی برنده 10 پیپ خواهد بود.

می توانستید بازنده باشید، که بدان معنی است که باید چیزهایی مانند جایی که باید حد ضرر خود را قرار دهید یا زمانی که کسب سود کنید را در نظر بگیرید. نمی توانید بدون برنامه پیرید وسط!

کاری که برخی از معامله گران انجام می دهند این است که کل موقعیت خود به محض ایجاد تقاطع جدید یا به محض اینکه قیمت مخالف موقعیت مقدار مقدری از پیپها حرکت کرده است، می فرسند.

این چیزی است که هاک در سیستم HLHB^f انجام می دهد. او نیز زمانی که تقاطع جدید ایجاد می شود، خارج می شود، اما همچنین دارای حد ضرر 150 پیپ در صورت لزوم است. دلیل این کار این است که نمی دانید که تقاطع بعدی کی خواهد بود. ممکن است در نهایت به خودتان صدمه بزنید اگر بیش از حد صبر کنید!

چیزی که در مورد سیستم تقاطع باید ملاحظه کنید این است که در حالی که به خوبی در محیط متغییر و/یا روندی کار می کنند، به خوبی در زمانی که قیمت در نوسان است، کار نمی کنند.

با میلیون ها سیگنال متقاطع ضربه خواهید دید و می توانید خودتان را در حال متوقف شدن چندین بار قبل از اینکه روند را دوباره بگیرید، در یابید.

حمایت و مقاومت پویا

راه دیگر استفاده از میانگین متحرک استفاده از آن‌ها به عنوان سطوح مقاومت و حمایت پویا است.

دوست داریم آن را پویا بنامیم به دلیل اینکه مشابه خطوط حمایت و مقاومت افقی سنتی شما نیست.

آن‌ها همواره با توجه به قیمت‌های اخیر در حال تغییر هستند.

معامله گران بسیاری وجود دارند که به این میانگین‌های متحرک به عنوان حمایت یا مقاومت کلیدی نگاه می‌کنند. این معامله گران زمانی که

قیمت پایین می‌رود، میانگین متحرک را می‌آزمایند یا اگر قیمت افزایش یافت و به میانگین متحرک رسید، می‌فروشند.

در اینجا نگاهی به نمودار ۱۵ دقیقه‌ای پوند بریتانیا/دلار آمریکا و ورود در 50 EMA می‌اندازیم. ببینید ببینیم که آیا به عنوان حمایت یا

مقاومت پویا خدمت می‌کند.



به نظر می‌رسد واقعا به خوبی نگاه داشته شده است! هر بار که قیمت نزدیک 50 EMA شد و آن را آزمایش کرد، به عنوان مقاومت عمل

کرد و قیمت به پایین برگشت. شگفت انگیز است، نه؟

چیزی که شما باید در ذهن داشته باشید این است که این‌ها درست مثل خطوط حمایت و مقاومت معمولی هستند.

این به این معنی است که قیمت همیشه کاملاً از میانگین متحرک بالا نمی‌روند. گاهی قبل از اینکه به جهت روند برگردند، کمی ماقبل آن

می‌روند.

زمان هایی نیز وجود دارند که قیمت ماقبل آن کاملاً نابود می شود. کاری که برخی معامله گران انجام می دهند این است آن ها روی دو میانگین متحرک وارد می شوند، و تنها زمانی که قیمت در وسط فضای بین دو میانگین متحرک است، خرید یا فروش می کنند. می توانید این ناحیه را «محدوده» بنامید.

بیا باید نگاه دیگری به نمودار ۱۵ دقیقه ای GBP/USD بیاندازیم، ولی این بار اجازه دهید از میانگین های متحرک نمایی ۱۰ و ۲۰ استفاده کنیم.



از نمودار بالا می بینید که قیمت اندکی ماقبل ۱۰ میانگین متحرک نمایی تعدادی پیپ قرار می گیرد، به روند نزولی خود بعد از آن ادامه می دهد.

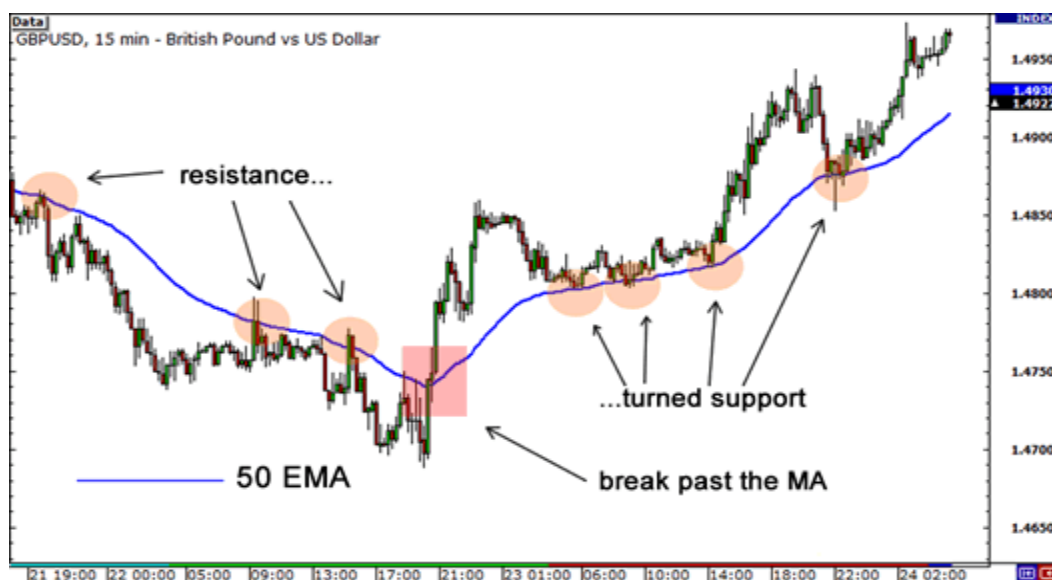
برخی معامله گران هستند که از استراتژی های روزانه مثل این استفاده می کنند. ایده این است که درست مثل نواحی حمایت و مقاومت افقی خود، این میانگین های متحرک باید مانند مناطق یا زمینه های مورد منفعت خودتان تلقی شوند.

منطقه بین میانگین های متحرک بنابراین می تواند به عنوان محدوده ای از حمایت یا مقاومت در نگاه شود.

ورود به حمایت و مقاومت پویا

حالا می دانید که میانگین های متحرک می توانند به طور بالقوه به عنوان حمایت و مقاومت عمل کنند. با ترکیب تعدادی از آن ها، می توانید خودتان منطقه ی خوب کوچکی داشته باشید. اما همچنین باید بدانید که آن ها می توانند بشکنند، مثل هر سطح حمایت و مقاومت دیگری!

اجازه دهید نگاه دیگری به 50 EMA در نمودار ۱۵ دقیقه GBP / USD بیاندازیم.



در نمودار فوق، می‌بینیم که 50 EMA به عنوان سطح مقاومت قوی برای مدتی که GBP / USD بارها و بارها بالا و پایین می‌رود. با این حال، همان‌طور که ما با جعبه رنگ قرمز مشخص کرده‌ام، قیمت در نهایت می‌شکند و به شدت بالا می‌رود. پس از آن قیمت بر می‌گردد و دوباره 50 EMA را می‌آزماید، که ثابت می‌شود سطح حمایتی قوی است. بنابراین اینجاست که شما آن را دارید.

میانگین‌های متحرک نیز می‌توانند به عنوان سطوح مقاومت و حمایت دینامیک عمل کنند.

یک چیز خوب در مورد استفاده از میانگین متحرک این است که آن‌ها همواره در حال تغییر هستند، که به این معنی است که تنها می‌توانید آن را روی نمودار خود بگذارید و لازم نیست که در گذشته به دنبال تعیین نقطه سطوح حمایت و مقاومت بالقوه باشید.

خطی که به احتمال زیاد نشان دهنده منطقه متحرک مورد علاقه شماست را می‌دانید. البته تنها مشکل این است که بدانید کدام میانگین متحرک را استفاده کنید.

- انواع مختلفی میانگین متحرک وجود دارد: دو نوع از رایج‌ترین‌ها میانگین متحرک ساده و میانگین متحرک نمایی هستند.
- میانگین متحرک ساده ساده‌ترین حالت میانگین متحرک است، اما در معرض جهش قرار دارد.
- میانگین متحرک نمایی وزن بیشتری را به قیمت اخیر اختصاص می‌دهد، بدین معنی که بر فعالیت کنونی بازرگانان تأکید بیشتری دارند.
- دانستن کار فعلی بازرگانان نسبت به کار آن‌ها در هفته یا ماه گذشته از اهمیت بیشتری برخوردار است.
- میانگین متحرک ساده متعادل‌تر از میانگین متحرک نمایی است.
- استفاده از میانگین متحرک نمایی می‌تواند به شما در تشخیص سریع‌تر روند کمک کند، اما در معرض گمراهی‌های بسیاری قرار دارد.
- میانگین متحرک متعادل در واکنش به رفتار قیمت کندتر است اما شما را از جهش‌ها و گمراهی‌ها نجات می‌دهد. با این حال، به دلیل واکنش آهسته خود، می‌تواند گرفتن یک معامله را به تأخیر بیندازد و ممکن است باعث شود برخی فرصت‌های خوب را از دست بدهید.
- می‌توانید از میانگین‌های متحرک برای کمک به تعریف روند، زمان آغاز و زمان پایان روند استفاده کنید.
- میانگین‌های متحرک را می‌توان به عنوان سطوح حمایت و مقاومت دینامیک استفاده کرد.
- یکی از بهترین راه‌های استفاده از میانگین متحرک طرح انواع مختلف است به طوری که می‌توانید جنبش‌های طولانی مدت و کوتاه مدت را ببینید.

تمامی موارد فوق را متوجه شدید؟ چرا نرم افزار رسم نمودار خود را باز نمی‌کنید تا میانگین متحرکی رسم کنید؟

به یاد داشته باشید، استفاده از میانگین متحرک ساده است. بخش سخت این است که از کدام یک استفاده کنیم!

به همین دلیل باید آن‌ها را امتحان کنید و بهترین مدل متناسب با سبک تجارت خود را پیدا کنید. شاید سیستم مبتنی بر روند را ترجیح دهید.

یا شاید می‌خواهید از آن‌ها به عنوان حمایت و مقاومت دینامیک استفاده کنید.

هر آنچه انتخاب می‌کنید، مطمئن شوید که در مورد آن اطلاعات کافی را به دست آورد و تست‌هایی انجام دهید تا ببینید که چگونه با طرح

تجاری شما به طور کلی متناسب است.

تبریک می‌گویم به درجه پنجم رسیدید! هر بار که به درجه بعدی می‌رسید ابزارهای بیشتر و بیشتری را به جعبه ابزار بازرگانی خود اضافه می‌کنید.

احتمالاً می‌پرسید: «جعبه ابزار بازرگانی چیست؟»

ساده است.

معامله را با ساخت خانه مقایسه کنید. از چکش برای پیچاندن پیچ استفاده نمی‌کنید، درست است؟ و از اره دندان‌ای برای سوراخ کردن میخ‌ها استفاده نمی‌کنید. ابزار مناسبی برای هر وضعیت وجود دارد.

درست مثل تجارت، از برخی ابزارها و شاخص‌های تجاری به بهترین وجه در محیط‌ها یا موقعیت‌های خاص استفاده می‌شود. بنابراین، هر چه ابزار بیشتری داشته باشید، بهتر می‌توانید با محیط بازار که همیشه در حال تغییر وفق پیدا کنید.

یا اگر بخواهید می‌توانید بر چند محیط یا ابزار تجاری خاص تمرکز کنید. داشتن متخصص هنگام نصب برق یا لوله کشی خانه خوب است، درست مانند اینکه داشتن تخصص در زمینهٔ باند بولینگر یا میانگین متحرک خوب است.

برای به دست آوردن برخی شاخص‌ها یک میلیون روش وجود دارد!

برای این درس، همان‌طور که این شاخص‌ها را یاد می‌گیرید، به هر کدام از آن‌ها به عنوان ابزاری جدید نگاه کنید که می‌توانید آن را به جعبه ابزار خود اضافه کنید.

ممکن است لزوماً از همه این ابزارها استفاده نکنید، اما همیشه داشتن گزینه‌های متعدد مطلوب است، درسته؟ حتی ممکن است ابزاری پیدا کنید که آن را به اندازه کافی بشناسید و با آن راحت باشید به طوری که خودش به تنهایی کامل باشد. حال بحث در مورد ابزارها کافی است!

بیاید شروع کنیم!

باندهای بولینگر

باندهای بولینگر، شاخص نمودار پدید آمده توسط جان بولینگر هستند که برای اندازه‌گیری نوسانات بازار استفاده می‌شوند.

در واقع، این ابزار کوچک به ما می‌گوید که آیا بازار آرام است یا اینکه پر سر و صدا است! هنگامی که بازار آرام است، باندها قرارداد می‌بندند و زمانی که بازار پر سر و صداست، باندها گسترش می‌یابند. توجه کنید در نمودار زیر زمانی که قیمت ساکن است، باندها نزدیک یکدیگر هستند. هنگامی که قیمت به سمت بالا می‌رود، باندها از هم دور می‌شوند.

همین و بس. بله، می‌توانیم ادامه دهیم و با پرداختن به تاریخچهٔ باند بولینگر، نحوه محاسبه آن، فرمول ریاضی پشت آن، و غیره و غیره شما را خسته کنیم، اما واقعاً تمایلی به تایپ این موارد نداریم.

با کمال صداقت باید بگوییم نیازی به دانستن آن‌ها ندارید. فکر می‌کنیم نشان دادن راه‌های اجرای باندهای بولینگر بر تجارت مهم تر است. توجه: اگر واقعاً می‌خواهید محاسبات باند بولینگر را یاد بگیرید، می‌توانید به آدرس www.bollingerbands.com مراجعه کنید.

پرش بولینگر

یکی از چیزهایی که باید در مورد باندهای بولینگر بدانید این است که قیمت تمایل دارد به وسط باند بازگردد. این امر کل ایده موجود در پس پرش بولینگر است. با نگاه به جدول زیر، می‌توانید بگویید که قیمت ممکن است به کدام سمت حرکت کند؟

اگر پاسخ شما پایین باشد، درست است! همان‌طور که می‌بینید، قیمت به سمت منطقه وسط باند رو به پایین در حرکت است.

قیمت دوباره به سمت وسط پرش می‌کند.



آنچه مشاهده کردید، پرش بولینگر کلاسیک بود. دلیل وقوع این پرش‌ها این است که باندهای بولینگر مانند سطوح پشتیبانی و مقاومت پویا عمل می‌کنند.

هر چه چارچوب زمانی شما طولانی تر باشد، این باندها قوی تر خواهند بود. بسیاری از بازرگانان سیستم‌هایی ایجاد کرده‌اند که این پرش‌ها را به شدت توسعه بخشیدند و این استراتژی در بهترین حالت زمانی استفاده می‌شود که در بازار در نوسان است و هیچ روند روشنی وجود ندارد.

حالا به روشی برای استفاده از باندهای بولینگر هنگام جهش شدید بازار نگاه کنید.
فشار بولینگر

فشار بولینگر بسیار واضح است. وقتی باندها به هم نزدیک می‌شوند، فشار می‌آورند، یعنی حادثه‌ای در شرف وقوع است.

اگر شمع‌ها به سمت بالای باند بالایی بولینگر حرکت کنند، معمولاً حرکت رو به بالا خواهد بود و اگر به سمت پایین باند پایینی بولینگر بروند، معمولاً حرکت به سمت پایین است.



با توجه به نمودار فوق، مشاهده می‌کنید که باندها به یکدیگر فشار می‌آورند. قیمت به تازگی به سمت باند بالایی در حرکت است. بر اساس

این اطلاعات، فکر می‌کنید قیمت به کدام سمت خواهد رفت؟



اگر پاسخ شما بالا است، درست گفتید!

نحوه کار فشار بولینگر این چنین است.

این استراتژی برای گرفتن حرکت در اسرع وقت طراحی می‌شود. چنین تنظیماتی هر روز رخ نمی‌دهد، اما اگر نمودار ۱۵ دقیقه ای را مد نظر

قرار دهید، احتمالاً می‌توانید آنها را چند بار در هفته مشاهده کنید.

با باندهای بولینگر کارهای متنوع دیگری می‌توانید انجام دهید، اما موارد فوق ۲ مورد از رایج‌ترین استراتژی‌های در این رابطه می‌باشند. قبل

از اینکه به سراغ شاخص بعدی برویم، زمان آن رسیده که این شاخص را در جعبه ابزار خود قرار دهید.

واگرایی و همگرایی میانگین متحرک (MACD)

MACD مخفف Moving Average Convergence Divergence (به معنی واگرایی همگرایی میانگین متحرک) است. این ابزار برای تشخیص میانگین‌های متحرکی که یک روند صعودی یا نزولی را مشخص می‌کنند، به کار می‌رود. هدف اول در نهایت تشخیص روند است. چرا که در آن می‌توان بیش‌ترین سود را بدست آورد.



در نمودار واگرایی و همگرایی میانگین متحرک (MACD)، معمولاً سه عدد می‌بینید که برای تنظیمات آن استفاده شده‌اند.

- اولی عدد دوره‌های زمانی است که میانگین متحرک سریع‌تر را محاسبه می‌کند.
 - دومی عدد دوره‌های زمانی است که میانگین متحرک کندتر را محاسبه می‌کند.
 - و سومی تعداد میله‌هایی است که تفاوت میانگین متحرک میانگین‌های متحرک سریع‌تر و کندتر را محاسبه می‌کند.
- مثلاً اگر قرار باشد اعداد «۱۲ و ۲۶ و ۹»، را به عنوان پارامترهای MACD در نظر بگیرد (که معمولاً اعداد پیش فرض بسته‌های نرم افزاری کشیدن نمودار هستند)، آن را باید بدین گونه تفسیر کنید.
- عدد ۱۲ نمایانگر دوازده ستون قبلی میانگین متحرک سریع‌تر است.
 - عدد ۲۶ نمایانگر ۲۶ ستون قبلی میانگین متحرک کندتر است.

• عدد ۹ نمایانگر ۹ ستون قبلی تفاوت بین دو میانگین متحرک است. این مورد توسط خطوط عمودی که هیستوگرام نامیده می‌شوند، رسم می‌شود (خطوط سبز موجود در نمودار بالا).

تصور غلطی که در مورد خطوط MACD وجود دارد این است که آن‌ها میانگین‌های متحرک قیمت هستند، در صورتیکه در واقع میانگین‌های متحرک تفاوت بین خطوط میانگین متحرک می‌باشند.

در مثال فوق، میانگین متحرک سریع‌تر میانگین متحرک تفاوت بین میانگین‌های متحرک ۱۲ و ۲۶ دوره ای است. میانگین متحرک کندتر در واقع میانگین خط قبلی MACD را رسم می‌کند. دوباره از مثال فوق می‌فهمیم که میانگین متحرک ۹ دوره ای است.

این امر بدان معنی است که میانگین ۹ دوره آخر خط سریع‌تر MACD را گرفته و با آن میانگین متحرک کندتر خود را رسم کرده‌ایم. که خط اولیه را بیشتر تعدیل کرده و خط دقیق‌تری به ما می‌دهد.

این نمودار در واقع تفاوت بین میانگین متحرک سریع و کند را رسم می‌کند. اگر به نمودار اصلی نگاه کنید می‌بینید که با دور شدن میانگین‌ها از هم نمودار بزرگتر می‌شود. به این حالت واگرایی می‌گویند، چرا که میانگین متحرک سریع‌تر از میانگین متحرک کندتر دور می‌شود.

هر چقدر میانگین‌های متحرک به هم نزدیک‌تر شوند، نمودار کوچکتر می‌شود. به این حالت همگرایی می‌گویند، چرا که میانگین متحرک سریع‌تر به میانگین متحرک کندتر نزدیک می‌شود.

و بدین ترتیب منشا نام واگرایی همگرایی میانگین متحرک مشخص می‌شود.

حال که فهمیدید MACD چیست، کارایی آن را هم به شما نشان می‌دهیم.

نحوه تجارت با استفاده از واگرایی/همگرایی میانگین‌های متحرک

از آنجاییکه دو میانگین متحرک با سرعت‌های متفاوت وجود دارد، واضح است که میانگین سریع‌تر به حرکات قیمت سریع‌تر واکنش نشان می‌دهد.

وقتی روندی جدید اتفاق می‌افتد خط سریع‌تر اول عکس‌العمل نشان می‌دهد و در نتیجه خط کندتر را قطع می‌کند. وقتی این تقاطع اتفاق می‌افتد و خط سریع شروع به دور شدن از خط کند می‌کند، حاکی از تشکیل روند جدیدی است.



در نمودار بالا مشاهده می‌کنید که خط سریع خط کند را از زیر قطع کرده و به درستی سیر نزولی را نشان داده است. دقت کنید که وقتی خطوط همدیگر را قطع می‌کنند نمودار موقتا ناپدید می‌شود.

و این امر بدین علت است که تفاوت بین خطوط در زمان تقاطع صفر است. وقتی روند رو به پایین شروع می‌شود، خط سریع از خط کند دور می‌شود و نمودار بزرگتر می‌شود که نشان دهنده روندی قوی است.

مثال زیر را مشاهده کنید.



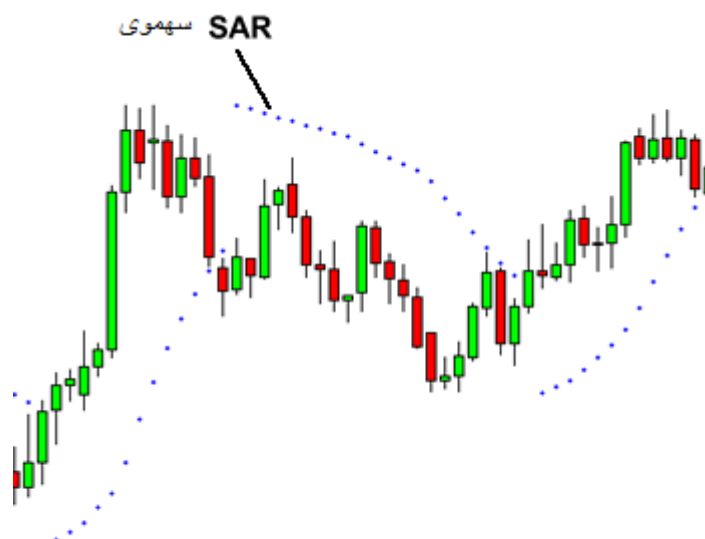
در نمودار ۱ ساعته EUR / USD (یورو/ دلار) فوق، خط سریع از بالای خط کند در حالی عبور می کند که نمودار ناپدید شده است. پیشنهاد می دهد که روند نزولی کوتاه در نهایت معکوس می شود.

از آن پس، EUR / USD افزایش می یابد و روند صعودی جدیدی را شکل می دهد. تصور کنید اگر شما مدت ها پس از تقاطع اقدام به سفارش خرید جفت ارزی کرده باشید، احتمالاً نزدیک به ۲۰۰ پیپ به دست آوردید! اشکال بزرگی که در MACD وجود دارد این است که طبیعتاً میانگین ها از قیمت عقب ترند. در نهایت، صرفاً میانگین قیمت های بازار (متعادل) است.

از آن جا که MACD میانگین متحرک دیگر میانگین های متحرک را نشان می دهد و با دیگر میانگین های متحرک تعدیل می شود، می توانید تصور کنید که چقدر از قیمت واقعی دور است. با این وجود هنوز هم یکی از ابزارهای پر طرفدار در میان بازرگانان است.

توقف و تغییر جهت سهمی (SAR)

تا کنون، شاخص هایی را بررسی کردیم که در اصل بر تشخیص شروع یک روند متمرکز بودند. گرچه تشخیص روندهای جدید مهم است، تشخیص انتهای روند نیز به همان اندازه مهم است. با این وجود، تشخیص ابتدای یک روند بدون اینکه از پایان آن خبر داشته باشیم امری بیهوده است.



یکی از اندیکاتورهایی که به تعیین انتهای روند کمک می‌کند، توقف و تغییر مسیر (SAR, Stop And Reversal) است. SAR سهمی شکل نقاطی را روی نمودار مشخص می‌کند که احتمال برگشت آن‌ها در جنبش قیمت را نشان می‌دهند.

در نمودار بالا مشاهده می‌کنید که نقاط در روند رو به بالا در زیر شمع‌ها قرار دارند و در روند رو به پایین به بالای شمع‌ها منتقل شده‌اند.

نحوه تجارت با استفاده از SAR سهمی

نکته خوب SAR سهمی شکل این است که به راحتی قابل استفاده است. واقعاً ساده است.

اساساً وقتی نقاط زیر شمع‌ها هستند موقع خرید و وقتی بالای شمع‌ها هستند موقع فروش است.



ساده است؟

بله، اینگونه تصور می‌کردیم.

این اندیکاتور بسیار راحت تفسیر می‌شود زیرا فرض می‌کند قیمت بالا یا پایین می‌رود. بنابراین بهتر است وقتی بازار جهت دار است و

روندهای رو به بالا یا رو به پایین طولانی‌ای دارد از آن استفاده کنید.

از این ابزار در بازار پرتلاطمی که مرتب جهت عوض می‌کند، استفاده نکنید.

استفاده از SAR سهمی شکل برای خاتمه تجارت

همچنین می‌توانید از SAR سهمی استفاده کنید تا به تعیین زمان خاتمه دادن به معامله شما کمک کند.

بررسی کنید که چگونه SAR سهمی به عنوان سیگنال خروجی در نمودار روزانه EUR/USD (یورو/دلار) فوق عمل کرد.



هنگامی که EUR / USD در اواخر ماه آوریل به شدت نزول کردند، به نظر می‌رسید به روند کاهشی خود ادامه دهد. معامله‌گری که قادر به فروش این جفت ارزی بود احتمالاً تعجب می‌کند که تا چقدر حد پایین خواهد آمد.

در اوایل ماه ژوئن، سه نقطه تشکیل شده در پایین قیمت، نشان می‌دهند که روند نزولی به پایان رسیده و زمان فروش ارزها است.

اگر سرسختانه تصمیم داشته باشید به این تفکر معامله پایبند باشید که EUR / USD به کاهش خود ادامه می‌دهند، احتمالاً تمام سودهای حاصل از این جفت ارزی را از دست دادید تا زمانی که این جفت در نهایت تقریباً به 1.3500 برسند.

استوکستیک (Stochastics)

استوکستیک اندیکاتور دیگری است که در تشخیص انتهای روند به ما کمک می‌کند.

استوکستیک ماهیتاً اسبلاطوری است که موقعیت‌های اشباع خرید یا فروش (overbought, oversold) را در بازار اندازه می‌گیرد. دو خط موجود در آن مانند خطوط MACD یکی سریع و یکی کند است.



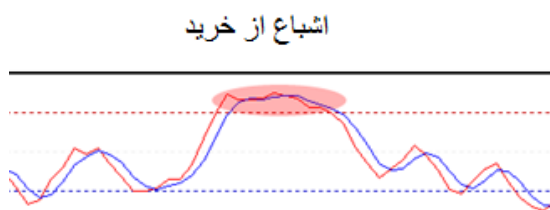
نحوه استفاده از استوکستیک برای تجارت

همان‌طور که ذکر شد، استوکستیک هنگام اشباع خرید یا فروش بازار را می‌گوید. استوکستیک دارای مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است. زمانیکه خطوط استوکستیک بالای ۸۰ باشند (خط قرمز نقطه چین که در نمودار بالا می‌بینید) به این معنی است که بازار از خرید اشباع شده است و زمانیکه خطوط استوکستیک زیر ۲۰ باشد (نقطه چین آبی در نمودار بالا) به معنی این است که بازار از فروش اشباع شده است.

قاعده کلی این است که وقتی بازار از خرید اشباع است، می‌فروشیم و وقتی از فروش اشباع است، می‌خریم.



در نمودار بالا می بینید که استوکستیک شرایط اشباع خرید را برای مدتی طولانی نشان می دهد، با این حساب فکر می کنید قیمت به کدام سمت می رود؟



اگر گفتید که سقوط می‌کند، کاملاً حق با شماست! زیرا بازار برای مدتی طولانی در حالت اشباع از خرید قرار داشته و بازگشت در شرف وقوع است.

اساس کار استوکستیک همین است. بیشتر معامله‌گران استوکستیک را به طرق مختلفی به کار می‌برند، ولی هدف اصلی آن نشان دادن شرایط اشباع خرید یا فروش است.

به مرور زمان می‌آموزید که چگونه استوکستیک را متناسب با سیستم معاملاتی خود به کار بگیرید.

حال به سمت شاخص قدرت نسبی پیش می‌رویم.

شاخص قدرت نسبی (RSI)

شاخص قدرت نسبی یا RSI (Relative Strength Index)، از نظر تعیین وضعیت‌های اشباع خرید یا اشباع فروش شبیه استوکستیک است. مقیاس بندی آن از ۰ تا ۱۰۰ است. وقتی این شاخص زیر سی باشد نشان دهنده اشباع فروش یا وقتی بالای هفتاد باشد نشان دهنده اشباع خرید است.



نحوه استفاده از شاخص قدرت نسبی برای تجارت

کاربرد RSI مانند استوکستیک است. می‌توانیم از آن برای انتخاب پایین‌ترین و بالاترین احتمال‌ها بر اساس شرایط اشباع خرید یا فروش بازار استفاده کنیم.

در ذیل نمودار ۴ ساعته یورو/دلار را مشاهده می‌کنید.



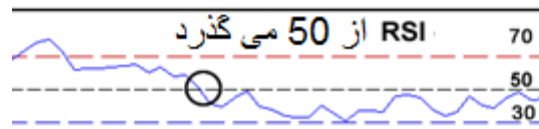
یورو/دلار طی هفته سقوط کرده، حدود ۴۰۰ پیپ طی دو هفته سقوط کرده بود.

در ۷ ژوئن، زیر ۱.۲۰۰۰ معامله می‌شد. با این حال، شاخص قدرت نسبی به زیر ۳۰ سقوط کرد، نشان می‌دهد که ممکن است دیگر فروشنده ای در بازار نباشد و این حرکت می‌تواند به پایان رسیده باشد. سپس قیمت باز می‌گردد و دوباره طی چند هفته آتی رو به بالا حرکت می‌کند.

تعیین روند با شاخص قدرت نسبی

این شاخص بسیار محبوب است زیرا می‌تواند برای تایید تشکیل روند به کار آید. اگر فکر می‌کنید که روندی در حال شکل گیری است نگاهی به RSI بیندازید و ببینید آیا بالای پنجاه است یا پایین آن.

اگر دنبال شکل گیری روند صعودی هستید از بالای پنجاه بودن RSI اطمینان حاصل کنید. اگر دنبال روند نزولی هستید مطمئن شوید که RSI زیر پنجاه قرار دارد.



در شروع نمودار بالا می بینیم که احتمال شکل گیری روند رو به بالا وجود دارد. برای پیش گیری از اشتباه صبر می کنیم تا RSI از زیر پنجاه بگذرد تا روند تایید شود. با گذشتن RSI از پنجاه به اندازه کافی از شکل گیری روند صعودی مطمئن می شویم.

شاخص جهتدار میانگین، یا ADX به طور خلاصه، نمونه ای دیگر دیگر از اسیلاتور است. از ۰ تا ۱۰۰ نوسان دارد، زیر ۲۰ نشان دهنده روند ضعیف و بالاتر از ۵۰ نشانگر روند قوی است.

بر خلاف استوکستیک، ADX صعودی یا نزولی بودن روند را مشخص نمی کند. در عوض، صرفاً قدرت روند فعلی را اندازه گیری می کند. به همین دلیل، ADX معمولاً برای تشخیص نوسان بازار یا شروع روند جدید استفاده می شود.

به نمودارهای جدید رسم شده نگاه کنید:



در این مثال اول، ADX از اواخر سپتامبر تا اوایل دسامبر زیر ۲۰ ماند. همان طور که می توانید در نمودار مشاهده کنید، EUR / CHF داخل محدوده در آن زمان گیر کرده بود. با این حال روند صعودی شاخص جهت دار میانگین در ژانویه آغاز شده و به بیش از ۵۰ رسید، نشان می دهد که روند قوی در شرف وقوع است.

و نگاه کنید! EUR / CHF از حد پایین محدوده عبور کرد و روند نزولی قوی را ادامه داد. حدود ۴۰۰ پیپ به دست می آمد.

حال به این مثال توجه کنید:



درست مثل مثال اول، شاخص جهت دار میانگین برای مدتی زیر ۲۰ ماند. در آن زمان، EUR / CHF نیز در نوسان بود. پس از مدت کوتاهی این شاخص به بالاتر از ۵۰ افزایش یافت و EUR / CHF به بالای دامنه رسید.

سپس!

روند صعودی قوی صورت گرفت. حدود 300 پیپ، امضا شده، مهر و موم شده و داده شده می‌شد!

آسان به نظر می‌رسد، درست؟

اگر مشکلی در استفاده از شاخص جهت دار میانگین وجود دارد، این است که دقیقاً زمان خرید یا فروش را به شما نمی‌گوید. آن چه می‌گوید این است که پیوستن به روند در حال پیشرفت درست است یا خیر.

زمانی که این شاخص دوباره به زیر ۵۰ رسید، بدان معنی است که روند صعودی یا نزولی ضعیف می‌شود و زمان خوبی برای نگهداری سودهاست.

نحوه استفاده از شاخص جهت دار میانگین برای تجارت

راهی برای تجارت با استفاده از شاخص جهت دار میانگین صبر کردن برای شکست روند قبل از تصمیم‌گیری برای خرید یا فروش است. شاخص جهت دار میانگین را می‌توان به عنوان تایید ادامه روند این جفت ارز استفاده کرد.

راهی دیگر ترکیب شاخص جهت دار میانگین با شاخص دیگر است، به ویژه شاخصی که روند نزولی یا صعودی جفت ارز را مشخص می‌کند.

شاخص جهت دار میانگین را می‌توان برای تعیین خاتمهٔ زود هنگام تجارت به کار برد.

مثلاً، هنگامی که شاخص جهت دار میانگین به زیر ۵۰ می‌رسد، نشان می‌دهد که روند فعلی از حرکت می‌ایستد. از آن پس، این جفت ارزی

احتمالاً می‌تواند به صورت جنبی حرکت می‌کنند یا تغییر جهت دهد، بنابراین شما ممکن است بخواهید پিপ‌ها را نزد خود نگه دارید.

ایچی موکو (Ichimoku)

Ichimoku Kinko Hyo در زبان ژاپنی به معنی «ممکن است پپ با تو باشد» نیست اما با این وجود می‌تواند به شما در گرفتن آن پپ‌ها

کمک کند.

ایچی موکو (IKH) شاخصی است که حرکت قیمت در آینده را اندازه‌گیری می‌کند و زمینه‌های حمایت و مقاومت را تعیین می‌کند. ۳ کار را

برای شما انجام می‌دهد! همچنین بدانید که این شاخص عمدتاً در جفت ارزهای مربوط به ین ژاپن استفاده می‌شود.

برای اضافه کردن به دایره لغات زبان ژاپنی شما، ichimoku به «نگاه» ترجمه می‌شود، kinko به معنای «تعادل» است، در حالی که hyo در

ژاپنی به معنی «نمودار» است. روی هم رفته، عبارت ichimoku kinko hyo مخفف «نگاهی بر نمودار در حالت تعادل است». حال به چه معنا

است؟

این نمودار ممکن است توضیح آن را ساده تر کند ...



کمکی نکرد. چندین خط بیشتر و شبیه زلزله نگاری خواهد شد.

قبل از اینکه بروید و آن را قلمبه سلمبه بنامید، سعی کنید دریابید که هر خط برای چیست.

Kijun Sen (خط آبی): همچنین خط استاندارد یا خط پایه نامیده می‌شود، با میانگین گیری بالاترین بالا و پایین‌ترین پایین برای ۲۶ دوره قبلی محاسبه می‌شود.

Tenkan Sen (خط قرمز): نیز به عنوان خط عطف شناخته می‌شود و با میانگین گیری بالاترین بالا و پایین‌ترین پایین برای نه دوره گذشته محاسبه می‌شود.

Chikou Span (خط سبز): خط عقب مانده نامیده می‌شود. قیمت بسته امروز است که برای ۲۶ دوره گذشته رسم شده است.

Senkou Span (خطوط نارنجی): اولین خط با میانگین گیری Tenkan Sen و Kijun Sen محاسبه و ۲۶ دوره پیش رو را رسم می‌کند. خط

Senkou دوم با میانگین گیری بالاترین بالا و پایین‌ترین پایین برای 52 دوره گذشته تعیین می‌شود و ۲۶ دوره پیش رو را رسم می‌کند.



متوجه شدید؟ حفظ کردن نحوه محاسبه هر خط لازم نیست. تفسیر خطوط خیالی مهم است.

نحوه تجارت با استفاده از ایچی موکو

به محدوده Senkou نگاه کنید.

اگر قیمت بالای محدوده Senkou باشد، خط بالا به عنوان سطح حمایت اول به کار می‌آید در حالی که خط پایین به عنوان سطح حمایت دوم عمل می‌کند.

اگر قیمت زیر Senkou باشد، خط پایین اولین سطح مقاومت را شکل می‌دهد در حالی که خط بالای سطح مقاومت دوم است. متوجه شدید؟ در همین حال، Kijun Sen به عنوان شاخص حرکت قیمت در آینده عمل می‌کند. اگر قیمت بالاتر از خط آبی رنگ باشد، می‌تواند به صعود بیشتر خود ادامه دهد. اگر قیمت زیر خط آبی رنگ باشد، می‌تواند سقوط کند.

Tenkan Sen شاخص روند بازار است. اگر خط قرمز در حال حرکت به بالا یا پایین باشد، حاکی از روند دار بودن بازار است. اگر صورت افقی حرکت کند، نشان می‌دهد که بازار در حال تغییر است.

در نهایت، اگر محدوده Chikou یا خط سبز از قیمت در جهت پایین به بالا عبور کند، سیگنال خرید است. اگر خط سبز از قیمت در جهت

بالا به پایین عبور کند، سیگنال فروش است.

در اینجا نمودار خط ممتد ارائه شده که این بار با سیگنال‌های تجاری است:



قطعاً در ابتدا پیچیده به نظر می‌رسد اما دارای سطوح حمایت و مقاومت، تقاطع، نوسانگر و شاخص روند است! شگفت‌انگیز است، درسته؟

بسیار خوب، انواع اندیکاتورها را آموختیم، حال ببینیم چگونه می‌توان از تمام چیزهایی که آموخته‌ایم سود ببریم....

حالا که نحوه کار برخی از رایج‌ترین شاخص‌ها را می‌دانید، آماده دریافت و امتحان برخی از نمونه‌ها هستید. بهتر است، اجازه دهید برخی از این شاخص‌ها را ترکیب کنیم و ببینیم که چگونه سیگنال‌های تجاری آن‌ها به موفقیت می‌رسند.

اگر دنیا خالی از عیب و نقص بود هر یک از این اندیکاتورها به تنهایی برای تحلیل ما کافی بود ولی دنیا اینگونه نیست و هر اندیکاتوری ایرادی دارد.

به خاطر همین هم هست که اکثر بازرگانان از ترکیب اندیکاتورها با هم استفاده می‌کنند تا بتوانند بر کار یکدیگر نظارت کنند. آن‌ها ممکن است ۳ اندیکاتور مختلف را با هم به کار گیرند و وارد معامله نشوند مگر اینکه جواب هر سه یک چیز باشد.

در این مثال اول، در نمودار EUR / USD در بازه زمانی ۴ ساعته باندهای بولینگر و استوکاستیک داریم. از آنجا که به نظر می‌رسد بازار در حال تغییر یا در حال حرکت جنبی باشد (مدام تغییر جهت دهد) بهتر است مراقب پرش بولینگر باشیم.



سیگنال‌های فروش از باندهای بولینگر و استوکاستیک را بررسی کنید. یورو/ دلار تا بالای گروه بالا رفتند، که معمولاً به عنوان سطح مقاومت عمل می‌کند.

در همان زمان، استوکاستیک به منطقه اشباع خرید رسید، نشان می‌دهد که قیمت می‌تواند به زودی کاهش یابد.

سپس چه روی می‌دهد؟

یورو/ دلار در حدود ۳۰۰ پیپ کاهش می‌یابد و اگر فروش خود را انجام داده باشید، سود هنگفتی به دست آوردید.

بعدها، قیمت به پایین می‌رسد، که معمولاً به عنوان سطح حمایت عمل می‌کند. این بدان معنی است که این جفت ارز می‌تواند از آنجا پرش داشته باشد. استوکاستیک در منطقه اشباع فروش، به معنی این است که نقطه مناسب برای شروع خرید است.

اگر این تجارت را انجام می‌دادید، حدود ۴۰۰ پیپ به دست می‌آوردید، بد نیست!

حال مثال دیگری با شاخص قدرت نسبی و واگرایی/همگرایی میانگین‌های حرکتی داریم.



وقتی که RSI به منطقه اشباع خرید رسید و سیگنال فروش داد، MACD پس از مدت کمی با تقاطع رو به پایین دنبال شد، که آن هم سیگنال فروش است. و همان‌طور که می‌بینید، قیمت به صورت سرشیبی از آنجا حرکت کرد.

هورا به شاخص‌ها ما!

بعدها، RSI نیز با کاهش به منطقه اشباع فروش رسید و سیگنال خرید داد. چند ساعت پس از آن، MACD تقاطع صعودی ایجاد کرد که آن هم سیگنال خرید است. از آنجا، قیمت صعودی در پی داشت. پیپ‌های بیشتری عاید ما شد!

احتمالاً در این مثال متوجه شدید که RSI قبل از MACD سیگنال می‌دهد. به دلیل ویژگی‌های مختلف و فرمول آمیز شاخص‌های فنی، برخی از آن‌ها خیلی سریع سیگنال می‌دهند در حالی که باقی آن‌ها کمی تاخیر دارند.

به تدریج و در پی انجام معاملات می‌فهمید که کدام اندیکاتور بیشتر برایتان مناسب است. ممکن است ما از MACD,RSI و استوکستیک استفاده کنیم و شما اندیکاتورهای دیگری را ترجیح بدهید.

تمام بازرگانان در پی کشف ترکیب جادویی اندیکاتورها هستند تا سیگنال درست را به آن‌ها بدهد ولی حقیقت این است که چنین فرمولی وجود ندارد.

از شما می‌خواهیم تا تمامی شاخص‌ها را به تنهایی مطالعه کنید تا تمایلات رفتاری مرتبط با حرکت قیمت را یابد بگیرید، سپس به ترکیبی برسید که به بهترین نحو با سبک معاملاتی شما در تناسب است و آن را درک می‌کنید. در ادامه این دوره درسی، سیستمی از ترکیب اندیکاتورها را نشان می‌دهیم تا ببینید چگونه یکدیگر را کامل می‌کنند.

خلاصه: نشانگرهای متداول

هر چیزی که در مورد مبادله کردن یاد می‌گیرید مثل ابزاری است که به جعبه ابزار مبادله‌ی خود اضافه کرده‌اید. ابزارهای شما باعث می‌شوند شانس بهتری در تصمیم‌گیری‌های مبادله‌ی خود داشته باشید، به شرط آن که از ابزار مناسب و در زمان مناسب استفاده کنید.

باندهای بولینگر

- برای اندازه‌گیری فراربت بازار به کار می‌رود.
- مانند پشتیبانی کوچک و سطوح مقاومت عمل می‌کند.

جهش بولینگر

- راهبردی که روی این مفهوم تکیه دارد که قیمت همیشه به وسط باندهای بولینگر بازمی‌گردد.
- وقتی قیمت به باند بولینگر پایینی می‌رسد می‌خرید.
- وقتی قیمت به باند بولینگر بالایی می‌رسد می‌فروشید.
- بهترین استفاده در تنظیم بازارها.

فشردگی بولینگر

- راهبردی که برای کشف زودهنگام تغییرات ناگهانی به کار می‌رود.
- وقتی باندهای بولینگر «فشرده می‌شوند»، یعنی بازار بسیار آرام است و به زودی تغییری ناگهانی قرار است اتفاق بیافتد. وقتی این تغییر ناگهانی اتفاق افتاد، در هر طرفی که قیمت بالا برود، وارد مبادله می‌شویم.

MACD

- برای کشف زود هنگام روندها به کار می‌رود و همچنین می‌تواند به ما کمک کند متوجه روندهای معکوس شویم.
- از ۳ میانگین حرکت تشکیل شده (۱ حرکت سریع و ۱ حرکت آرام) و خطوط عمودی به نام هیستوگرام دارد که فاصله‌ی بین ۲ میانگین حرکت را اندازه‌گیری می‌کند.
- بر خلاف تصور بیشتر مردم، خطوط میانگین حرکت، میانگین‌های حرکت قیمت نیستند. بلکه میانگین حرکت دیگر میانگین‌های حرکت هستند.
- افت MACD باعث عقب ماندن آن می‌شود چون از میانگین‌های حرکت زیادی استفاده می‌کند.
- یک راه برای استفاده از MACD این است که منتظر خط سریع بمانیم تا از خط آرام «عبور کند و بالا برود» یا «عبور کند و پایین برود»، و به همین صورت وارد مبادله شود چون نشان دهنده‌ی روند جدیدی است.

SAR سهمی شکل

- این نشانگر برای یافتن وارونگی روند ایجاد شده از این رو نامش توقف و وارونگی سهمی شکل (SAR⁵) است.
- تعبیر این نشانگر از همه راحت تر است چون فقط نشانه‌های ترقی و افول را ارائه می‌دهد.
- وقتی نقطه‌ها بالای شمع‌ها هستند این نشانه‌ی فروش است.
- وقتی نقطه‌ها زیر شمع‌ها هستند، این نشانه‌ی خرید است.
- بهترین استفاده از این‌ها در بازارهای مبادله است که شامل پشتیبانی طولانی و رکود می‌شوند.

تصادفی

- برای نشان دادن شرایط خرید بیش از حد و فروش بیش از حد به کار می‌رود.
- وقتی خطوط میانگین حرکت بالای ۸۰ هستند، این بدان معناست که بازار بیش از حد خریداری شده و باید سعی کنیم بفروشیم.
- وقتی خطوط میانگین حرکت زیر ۲۰ باشد، این بدان معناست که بازار بیش از حد فروخته شده و باید سعی کنیم بخریم.

نشانگر قدرت نسبی (RSI⁶)

- شبیه تصادفی است از این لحاظ که شرایط خرید بیش از حد و فروش بیش از حد را نشان می‌دهد.
- وقتی RSI بالاتر از ۷۰ است، این بدان معناست که بازار بیش از حد خریداری شده و باید سعی کنیم بفروشیم.

⁵ Stop and Reversal

⁶ Relative Strength Index

- وقتی RSI زیر ۷۰ است این بدان معناست که بازار بیش از حد فروخته شده و باید سعی کنیم بخریم.
- RSI همچنین می‌تواند برای تأیید تشکیل روند به کار رود. اگر فکر می‌کنید که روندی در حال شکل گرفتن است، قبل از ورود به مبادله منتظر شوید تا RSI بالا یا پایین ۵۰ برود (بسته به این که آیا به روند رو به بالا نگاه می‌کنید یا رو به پایین).

نشانگر جهتی میانگین (ADX^۷)

- ADX قدرت بالقوه‌ی یک روند را محاسبه می‌کند.
- از ۰ تا ۱۰۰ در نوسان است و خوانش‌های زیر ۲۰ نشان دهنده‌ی روند ضعیف و خوانش‌های بالای ۵۰ نشان دهنده‌ی روند قوی هستند.
- ADX را می‌توان به عنوان تأیید این که آیا دو ارز ممکن است به روند موجود ادامه دهد یا نه به کار برد.
- ADX همچنین می‌تواند برای تعیین این که چه زمانی فردی باید معامله‌ای را زود ببندد به کار می‌رود. مثلاً وقتی ADX شروع به لغزش زیر ۵۰ می‌کند نشان می‌دهد که روند فعلی احتمالاً کند شده است.

ایچیموکو کینکو هیو

- ایچیموکو کینکو هیو (IKH) نشانگری است که میزان حرکت قیمت آینده را اندازه‌گیری می‌کند و حوزه‌های آینده برای پشتیبانی و مقاومت را تعیین می‌کند.
- در ژاپنی / ایچیموکو به معنای «نگاه»، کینکو به معنای «تبادل» و هیو به معنای «نمودار» است. اگر این‌ها را کنار هم قرار دهید، عبارت ایچیموکو کینکو هیو یعنی «نگاهی به نموداری در تبادل».
- اگر قیمت بالای دامنه‌ی سنکو باشد، خطوط بالایی اولین سطح پشتیبانی هستند در حالی که خط پایینی دومین سطح پشتیبانی است.
- اگر قیمت زیر دامنه‌ی سنکو باشد، خط پایینی اولین سطح مقاومت است در حالی که خط بالایی دومین سطح مقاومت است.
- کیجون سن نشانگر حرکت قیمتی در آینده است. اگر قیمت بیشتر از خط آبی باشد، ممکن است همچنان افزایش پیدا کند. اگر قیمت زیر خط آبی باشد، ممکن است همچنان کاهش پیدا کند.
- دامنه‌ی چیکو خط تأخیری است. اگر خط چیکو در جهت پایین به بالا از قیمت بگذرد این نشانه‌ی خرید است. اگر خط سبز در بالا به پایین از قیمت بگذرد، این نشانه‌ی فروش است.

⁷ Average Directional Index

هر نشانگر ایرادهای خودش را دارد. به این دلیل است که مبادله کنندگان، بسیاری از نشانگرهای مختلف را ترکیب می‌کنند تا بر یکدیگر «نظارت» داشته باشند. وقتی در کار مبادله پیشرفت کنید متوجه می‌شوید که کدام نشانگرها برایتان از همه بهترند و می‌توانید آنها را به نحوی که مناسب سبک مبادله‌تان است ترکیب کنید.